

## مبانی منطقی طراحی سیستم خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق مدار (بر اساس نهج البلاغه)

نویسندگان: دکتر علی اصغر پورعزت\* و دکتر سیدمهدی الوانی\*\*

\* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\*\* استاد دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

این مقاله حاصل پژوهشی است که با عنوان «طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی، بر مبنای مدل حکومت حق‌مدار علوی در نهج‌البلاغه» انجام پذیرفته است. در این پژوهش، پنج فرضیه مدنظر قرار گرفته‌اند که بر «ویژگی‌های اهداف»، «نحوه تدوین دستور کارها و شکل‌دهی به خط‌مشی‌ها»، «ماهیت روش‌ها و رویه‌های اجرایی»، و «نحوه ارزیابی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار» دلالت دارند؛ ضمن این‌که در فرضیه پنجم بر «حساسیت اعضای جامعه به حقوق طلبی و عدل‌پذیری»، به مثابه یکی از عوامل بسیار مهم مؤثر بر استقرار و پایداری حکومت عدل تأکید شده است؛ زیرا پیامد نهایی فعالیت هر سیستم خط‌مشی‌گذاری در جامعه ارزیابی می‌شود و اعضای جامعه از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استمرار فعالیت سیستم حکومتی حق‌مدار محسوب می‌شوند.

در این تحقیق، علاوه بر تحلیل محتوای مباحث مربوط به عدالت در نهج‌البلاغه، از روش تحلیل منطقی، برای استخراج اصول منطقی مبنایی معرف عدالت حق‌مدار استفاده شده است. حاصل کار، دستیابی به مجموعه‌ای از اصول و مبانی منطقی است که می‌توان ویژگی‌های اصلی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار را بر مبنای آن تعریف کرد.

اگرچه این تحقیق بر مبنای متن نهج‌البلاغه انجام شده، اما رویکرد ایدئولوژیک نداشته و با رویکرد علمی کمال‌جویانه، در صدد دستیابی به متقن‌ترین و منقح‌ترین وجوه معرف عدالت حق‌مدار بوده است. از این‌رو، در جریان آن از روش تحلیل منطقی استفاده شده است؛ روشی که قابلیت دارد برای تحلیل هر متنی مورد استفاده قرار گیرد و اگر این کار با نهج‌البلاغه انجام شده، توفیق محقق بوده که به یکی از بهترین و غنی‌ترین منابع معرف عدالت حق‌مدار دست یافته است.

حاصل کار، تدوین نظام منطقی نهایی است که بر پنج اصل توحید، برابری مبتنی بر یکسانی در خلقت، آزادی و اختیار ناشی از همانندی در خلقت، تناسب حق و تکلیف، و تسهیل کمال‌گرایی بنیان نهاده شد و با استناد به نهج‌البلاغه، نوزده قضیه از اصول فوق استنباط گردید که با تشریح برخی ابعاد نظریه عدالت حق‌مدار، امکان تعیین شاخص‌های غالب طراحی سیستم را فراهم می‌آورند. براساس این پنج اصل و قضایای استنباط شده از آن‌ها، عدالت آمیزه‌ای از برابری و آزادی است که بر پایه توحید و اعتقاد به یکسانی خلقت، ثبات یافته، با تأکید بر ضرورت تناسب حق و تکلیف پویا و منعطف گشته، با معطوف شدن به کمال‌گرایی جهت می‌یابد.

بنابراین آموزه حق‌مدار، تحقق عدالت را مستلزم تمهید شرایط دستیابی همه آحاد جامعه به حق خود در برخورداری از امنیت کامل، رفاه نسبی، و آگاهی کافی می‌داند.

واژه‌های کلیدی: تدوین دستور کار و شکل‌دهی به خط‌مشی، اجرا و ارزیابی خط‌مشی، شاخص‌های غالب جامعه‌عدل، نظام منطقی عدالت حق‌مدار، نهج‌البلاغه

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال یازدهم - دوره جدید

شماره ۵

تیر ۱۳۸۳

## نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۶

خدا بیامرزد کسی را که حقی را ببیند و آن را یاری دهد و ستمی را ببیند و آن را دور سازد و صاحب حق را در گرفتن حقش یار باشد [۱].

### مقدمه: خط‌مشی‌گذاری برای عدالت

عدالت اجتماعی، به شدت تحت‌تأثیر اقدامات (interventions) دولت‌ها و حکومت‌ها قرار دارد. حکومت‌ها با استفاده از سیستم‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی، در عرصه جوامع اقدام می‌کنند و از این‌رو، نحوه طراحی و استقرار سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی، مراتب تحقق پایدار عدالت اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

مدل‌سازی مفهومی سیستم خط‌مشی‌گذاری، مستلزم بررسی ابعاد موقعیت یا پدیده مسأله‌خیز، توجه به مقاصد آن، ملاحظه شواهد مرتبط با موقعیت و پدیده مسأله‌خیز، فهرست کردن عواملی که ممکن است به مقاصد مدل مرتبط باشند و دسته‌بندی آن‌ها براساس پیوندهای کارکردی و تعاملی و ساختاری، ملاحظه مجموعه شواهدی که با مقاصد مدل مرتبط به نظر می‌رسند، و برحسب ضرورت، تفصیل جزئیات مدل ساخته شده و حتی‌الامکان ساده‌سازی آن است [۲]. بر این اساس ادعا می‌شود که هر سیستم خط‌مشی‌گذاری باید متناسب با موضوع و مسأله مورد نظر خود طراحی و تنظیم شود؛ ضمن این‌که ملاحظات محتوایی، ساختاری، و زمینه‌ای، لازمه طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری مناسب برای تحقق عدالت اجتماعی است [۳].

در توجه به الزامات محتوایی به‌ویژه با تأکید بر عدالت توزیعی، نوع‌شناسی فلسفه‌های سیاسی حاکم بر سیستم‌های خط‌مشی‌گذاری مدنظر قرار می‌گیرد و اهدافی که سیستم متعهد به تحقق آن‌ها است، براساس نوع فلسفه سیاسی پذیرفته شده تعریف می‌شود. از این‌رو، فرضیه‌های اول و دوم تحقیق به‌صورت زیر تنظیم شده‌اند:

۱. اهداف اصلی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار علوی عبارتند از: «تأمین امنیت، رفاه، و آگاهی برای همه افراد جامعه».
۲. تحقق عدالت اجتماعی براساس الگوی علوی، مستلزم تعهد سیستم به تدوین خط‌مشی‌هایی با «محتوای حق‌مدار» است. در توجه به الزامات ساختاری، با تأکید بر عدالت رویه‌ای، رابطه اهداف و فراگردها و ابزار تحقق آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد و تأکید حق‌مداری بر اتخاذ روش‌های منصفانه در اجرای امور، در قالب فرضیه سوم ملاحظه می‌گردد.
۳. تحقق عدالت اجتماعی براساس الگوی علوی، مستلزم تعهد سیستم خط‌مشی‌گذاری به اتخاذ «رویه‌ها و فراگردهای منصفانه و عادلانه» برای اجرای خط‌مشی‌های موضوعه خود است. در توجه به الزامات زمینه‌ای نیز ضمن تأکید بر عدالت مراوده‌ای، بلوغ و حساسیت عناصر اجتماعی به تحقق عدالت، لازمه استقرار و پایداری سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار فرض شده است؛ از این‌رو در فرضیه چهارم تحقیق، بر بلوغ ادراکی و شناختی، و «توان» جامعه تأکید شده، و در فرضیه پنجم، حساسیت مردم و «تمایل» آن‌ها به اجرای عدالت مدنظر قرار گرفته است.
۴. تحقق عدالت اجتماعی براساس الگوی علوی، مستلزم فعالیت سیستم در «زمینه‌ای برخوردار از بلوغ ادراکی و شناختی» است.
۵. «حساسیت عناصر اجتماعی به رعایت عدالت»، برای پایداری سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار ضرورت دارد.

ملاحظه می‌شود که فرضیه‌های اول و دوم با نحوه مفهوم‌پردازی از عدالت و تدوین دستور کار و شکل‌دهی به خط‌مشی، فرضیه سوم با نحوه اجرای خط‌مشی حق‌مدار، و فرضیه‌های چهارم و پنجم بر زمینه فعالیت سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار دلالت داشته، آن را به مثابه سیستمی باز و اثرگذار بر جامعه هدف و

محیط جامعه در نظر می‌گیرد و موفقیتش را در گرو نحوه ارزیابی آن در زمینه و محیط اجتماعی می‌داند. بنابراین فرضیه‌های پنج‌گانه فوق ویژگی‌های اصلی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار علوی را براساس اصول منطقی عدالت حق‌مدار مورد اشاره قرار می‌دهند.

#### روش تحقیق: پژوهش درباره عدالت و برای عدالت

سیر تاریخ‌گویی تلاش‌های بسیار برای تحقق عدالت اجتماعی است. ماحصل این تلاش‌ها، تجاربی گرانقدر است، مشروط بر آن‌که دست‌مایه اصلاح و هدایت چالش‌های آینده تلقی گردند؛ اما بسیار محتمل است که قیام برای عدالت به ظلم بینجامد! در شرح غرر و درر آمدی، عبارت ۵۲۷۴ از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده است که فرموده‌اند: «رب عادل جائر»؛ یعنی چه بسا عدالت‌پیشه ستمگر؛ چه بسا افرادی که به اعتقاد خود عادلند ولی در واقع ظلم و جور پیشه ساخته‌اند [۴]! و چه بسا قیام‌ها که ابتدا برای نیل به عدالت انجام شده، ولی به شکل‌گیری ظالمانه‌ترین سیستم‌های حکومتی انجامیده و در ذهن مردم، مفهوم تحریف شده‌ای از عدل را به تصویر کشیده است؛ تصویری که انزجار عقل سلیم را موجب شده، به ناامیدی جوامع بشری از تحقق عدالت انجامیده و آن را در شمار آرمان‌های دست‌نیافتنی بشر جای داده است! با این حال تجلی و احیای حکومت عدل در سنت‌های سلیمانی، احمدی، و علوی، ولو در مدتی کوتاه، چنان جلوه‌گری می‌کند که با تشدید عطش تشنه‌کامان کوثر عدالت، علی‌رغم هجومه متوالی و مستمر و سوسه‌های یأس‌انگیز و تخدیرآمیز اصحاب تزویر، استمرار جنبش‌های عدالت‌خواهانه علیه اصحاب زر و زور را تضمین می‌کند.

اما هدایت یک سیستم اجتماعی، متشکل از انسان‌هایی با خواست‌ها، تمایلات، و آرمان‌های گوناگون، و سطوح متفاوت شعور، بلوغ، و توانایی، مستلزم اتخاذ راهبردی ویژه است؛ راهبردی که ضمن ترسیم مسیر حرکت و مقصد آن، سطوح گوناگون توان

و تمایل عناصر انسانی را پذیرا باشد و امکان مشارکت آنان را فراهم آورد؛ زیرا جامعه متشکل از انسان‌هایی است که خواست مبتنی بر شعور و آگاهی، و اراده مبتنی بر ایمان و آمادگی آن‌ها، سرمایه ویژه اصلاح، تکامل و تعالی آن است. در واقع لازمه تحقق هر تحول اجتماعی، هم‌نوا ساختن مردم با اهداف و مسیرهای نیل به آن است.

از این‌رو برای دستیابی به جامعه عدل حق‌مدار، از استراتژی تصویرپردازی از آینده استفاده می‌شود تا تصویری از نمونه‌های اعلائی جامعه عدل را ارائه کند [۵].

اگر این تصویر بر مبنای آموزه‌های فلسفی و سیاسی یا ادیان و مذاهب رایج پردازش شود، کارکرد ایدئولوژیک می‌یابد؛ ولی اگر از میان آموزه‌های مذکور به جستجوی گزاره‌های منطقی پرداخته، نظامی «استدلالی - علمی» پایه‌ریزی شود، تصویر پردازش‌یافته براساس این نظام، تصویری منطبق بر حقیقت و جوهر عدالت خواهد بود [۶]. بدینسان در جستجوی ویژگی‌های حقیقی حکومت عدل، گزاره‌های ایدئولوژیک جای خود را به گزاره‌های منطقی داده، نظامی مبتنی بر گزاره‌های عقلانی حق‌گرا تدوین می‌شود و به مثابه مبنای طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری عدالت‌گرا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین، مقدمه طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری برای تحقق عدالت حق‌مدار، پی‌ریزی نظامی منطقی و اصل موضوعی است که برای دستیابی به آن می‌توان از هر متن علمی، حقوقی، قانونی، ایدئولوژیک، ارزشی، و مذهبی آغاز کرد. بدین‌منظور، ابتدا مجموعه‌ای از گزاره‌های منطقی و مبنایی از متون مذکور استخراج می‌شوند و در کنار هم قرار می‌گیرند تا به تدریج بر مبنای آن‌ها، یک نظام منطقی و عقلانی مستحکم پایه‌ریزی شود.

بدیهی است که برای شروع بهتر است از نمونه‌هایی اعلی استفاده گردد که حدس زده می‌شود ذخایر بیش‌تری از گزاره‌های منطقی راهنمای ویژگی‌های حقیقی عدل را به نمایش می‌گذارند. قابل تأمل است

اشاره قرار می‌دهد. بنابراین، تأکید بر فراوانی واژه‌ها و مفاهیم در نهج‌البلاغه برای اخذ شاخص‌های فرامکانی و فرازمانی معرف حکومت عدل‌حق‌مدار مفید نیست؛ زیرا چه بسا بسیاری از ویژگی‌های ضروری نظام عدل، به واسطه متداول بودن، در آن مقطع زمانی و مکانی مورد تأکید قرار نگرفته باشند. از این رو، با اهتمام به استخراج شاخص‌های غالب سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار، از روش تحلیل منطقی استفاده می‌شود.

سخن آخر این که هدف از اتخاذ روش تحلیل منطقی، دستیابی به یک دستگاه هندسی و نظام منطقی اصل موضوعی جامع و مانع نیست، بلکه مقصود آن است که حتی‌المقدور برخی از گزاره‌های منطقی شکل‌دهنده چنین دستگاهی استخراج شوند و زمینه تکمیل آن در آینده فراهم گردد؛ ان شاء الله.

نمودار ۱، سیر منطقی پژوهش حاضر را به تصویر می‌کشد. در این تحقیق پس از تأکید بر دلالت استعاره راه بر مقصود حکومت علوی، رابطه عدل و حق، و تعریف عدالت بر مبنای حقیقت در نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از تعریف برخی از الزامات خرده سیستم‌های اداری و قضایی مناسب برای اجرای خط‌مشی‌های حق‌مدار، مجموعه‌ای از شاخص‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی حکومت حق‌مدار علوی، در قالب گزاره‌های منطقی معرف حکومت عدل مطرح می‌شوند.

**تأملی بر نقش مردم و حکومت‌ها در تحقق عدالت اجتماعی، از دیدگاه برخی مکاتب فلسفی سیاسی**

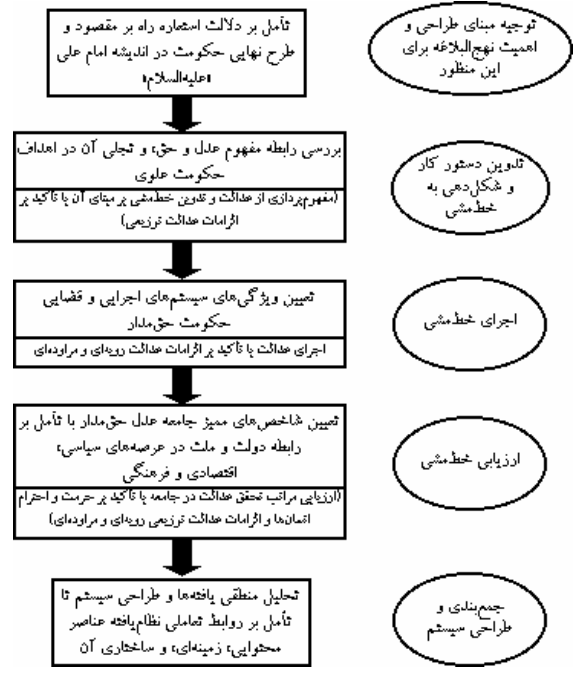
هر جامعه در هر لحظه از زمان، در سیر «تکامل و شدن»، شکل حالیه خود را باز می‌یابد و حیات آن در گرو حیات عناصر آن و تحولش متضمن تحول اعضا و عناصری است که آن را تشکیل می‌دهند و این تحول باید تحولی خودجوش و متکی به منابع داخلی باشد؛ زیرا هرگونه تحول متکی به منابع بیرونی محکوم به ناپایداری و انحراف است، مگر آن که بخش‌های مؤثری از نیروهای درونی سیستم را به‌هم‌نوایی با خود برانگیزد. بنابراین اگر مطلوب آموزه‌های لیبرالی نیل به «آزادی» است [۹]. آرمانشهر آن‌ها باید متشکل از انسان‌هایی باشد

که استفاده از اصطلاح نمونه اعلی (highest instance) به جای نوع آرمانی (ideal type)، بر اعتقاد به امکان‌پذیری تحقق عینی جلوه‌های عدالت حق‌مدار در رفتار حکومتی جوامع بشری دلالت دارد؛ ضمن این که برای تأکید بیش‌تر بر امکان‌پذیری، بهتر است متنی انتخاب شود که در عمل مورد استفاده قرار گرفته، مشتمل بر مجموعه‌ای از دقیق‌ترین و بیش‌ترین گزاره‌های معرف عدالت حق‌مدار باشد. از این رو، متن نهج‌البلاغه مد نظر قرار گرفت که برخی مباحث آن، مبنای عملکرد عینی حکومت حق‌مدار علوی تلقی می‌شود؛ حکومتی که عدالت را در دشوارترین شرایط تاریخی - که در دوره‌ای کوتاه با هجمه هم‌زمان و متوالی و سهمگین اصحاب زر و زور و تزویر، مواجه می‌شود - اجرا کرده [۷]، موفق به احیا و تولید مجموعه‌ای از مستفح‌ترین و بهترین مصنوعات عملی، گفتاری و نوشتاری از عدالت حق‌مدار شده است [۸].

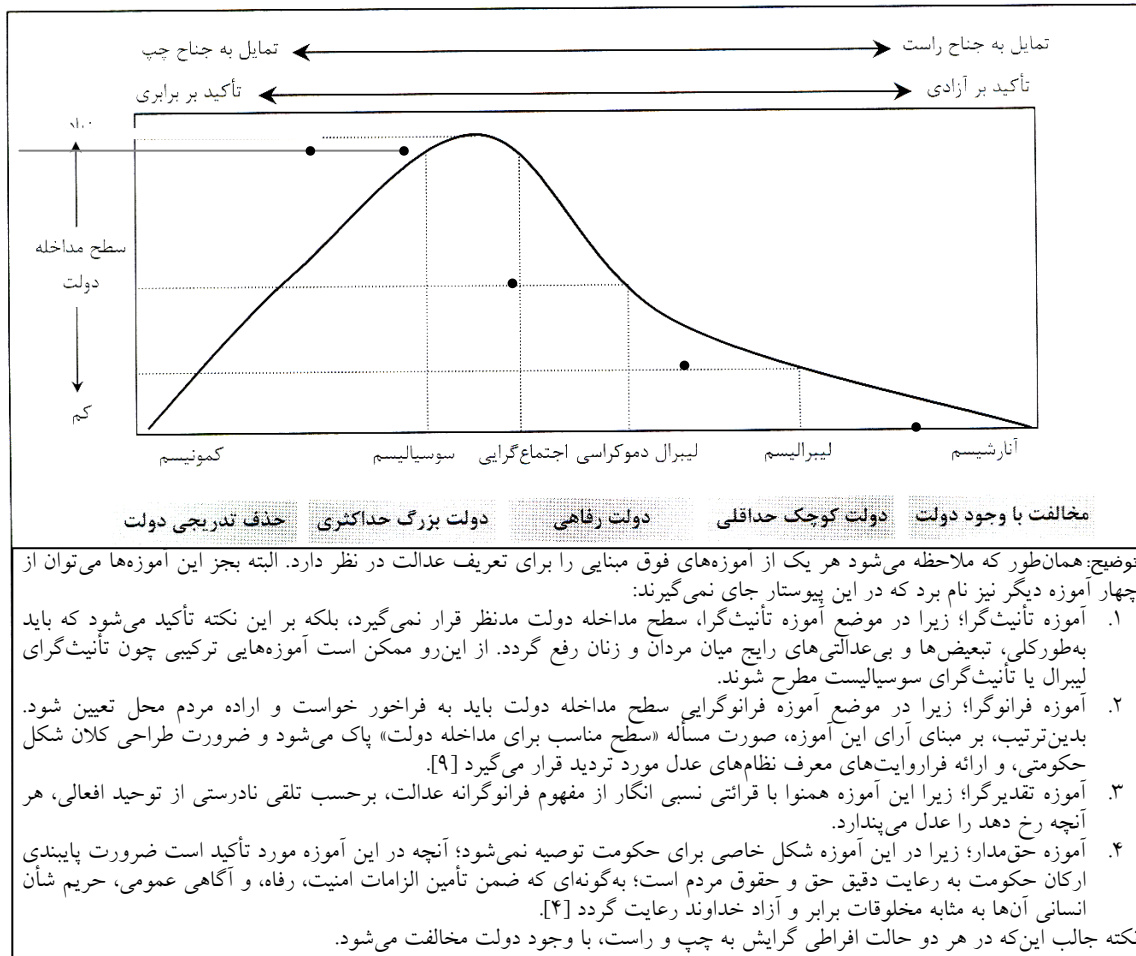
بنابراین، در این تحقیق، مرحله‌ای از پژوهشی دنباله‌دار برای «مفهوم‌پردازی از عدالت بر مبنای حقیقت، اجرای خط‌مشی بر مبنای آن، و تحقق عینی نظام عدالت در جوامع بشری، به مثابه پیامد نهایی اجرای خط‌مشی‌های مذکور» آغاز می‌شود.

نکته دیگر این که هر چند در این تحقیق، نهج‌البلاغه به مثابه مبنای طراحی سیستم مدنظر قرار می‌گیرد، اما روش تحقیق، تبعیت دقیق از روش تحلیل محتوا نیست و فراوانی استفاده از کلمات و جملات مورد استناد قرار نمی‌گیرند؛ زیرا اولاً نهج‌البلاغه همه سخنان امام علی (علیه‌السلام) را دربر نمی‌گیرد؛ بنابراین تعداد تکرارها نمی‌تواند مبنای تشخیص اهمیت‌ها از نظر ایشان باشد، و ثانیاً هنگام طراحی یک سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای نیل به عدالت پایدار باید حتی‌المقدور کلیه شاخص‌های اصلی حکومت عدل مد نظر قرار گیرند؛ در حالی که مجموعه این سخنان، نامه‌ها، و حکمت‌ها بیش‌تر متوجه بیان و تشریح ناگفته‌ها است و رفتارهای ضروری نهادینه نشده در جامعه را در یک مقطع زمانی و مکانی خاص مورد

که «آزادی» را بر هر آرمان سیاسی دیگر ترجیح دهند و بقای آن را ممکن سازند؛ و اگر مطلوب آموزه‌های سوسیالیستی، دستیابی به «برابری» است [۹]، آرمانشهرشان باید از عناصری مساوات‌طلب تشکیل شود تا استمرار آن را ضمانت کنند. به همین ترتیب، آرمان هر آموزه و مکتبی، با هر محتوایی، هنگامی در یک سیستم اجتماعی محقق و پاگیر می‌شود که شوق تحقق آن در متن جامعه، بر اشتیاق به سایر آرمان‌ها غلبه یابد؛ ضمن این که ابزارها و الزامات ساختاری تحقق آن محتوا (مفهوم مورد نظر از عدالت) در زمینه و متن جامعه فراهم آید. برای مثال، در جامعه لیبرالی باید اندازه دولت کوچک و در حداقل باشد و سیستم‌های قانونی تضمین‌کننده آزادی‌های فردی به گونه‌ای تعریف شوند که آزادی برخی افراد به آزادی سایرین لطمه نزنند [۱۰].



نمودار ۱. سیر منطقی جریان تحقیق



نمودار ۲. موضع برخی از آموزه‌های فلسفی سیاسی درباره حدود مداخله دولت‌ها

بنابراین همواره باید طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری را با در نظر گرفتن رابطه اهداف و آرمان‌های اجتماعی، ساختارها و فراگردهای اجرایی، و زمینه فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه تعقیب کرد. از این‌رو، ضمن مقایسه بسیار اجمالی موضع برخی از آموزه‌های فلسفی و سیاسی درباره عدالت (نمودار ۲)، ابتدا با تأکید بر تعریف عدالت‌برمبنای حقیقت، رابطه عدل و حق در متن نهج‌البلاغه مورد تحقیق قرار می‌گیرد و سپس ویژگی‌های خرده‌سیستم‌های اداری و قضایی مناسب، و زمینه اجتماعی مطلوب برای تحقق عدالت حق‌مدار، از طریق تعریف شاخص‌های ارزیابی حق‌مداری در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی بررسی می‌شود؛ اما نخست با تأمل بر رابطه غیرقابل انفکاک مسیر و مقصد، بر اهداف و مقاصد حکومت امام علی (علیه‌السلام) و دلالت گفته‌ها و نوشته‌های ایشان بر اندیشه‌هایشان، در توضیح استعاره راه تأکید می‌شود.

### توجیه‌مبنای طراحی سیستم و دلالت استعاره راه

نهج‌البلاغه بخشی از سخنان و نامه‌های امام علی (علیه‌السلام) را دربر دارد. بدیهی است که بخش قابل توجهی از این مجموعه، معطوف به مسائل مقطع زمانی و مکانی حیات آن حضرت است؛ ولی با توجه به علایق گردآورنده (سیدرضی) به مسائل سیاسی و اجتماعی، علی‌رغم این‌که شاخص‌های بلاغت و زیبایی‌شناسی ادبی، مبنای گزینش این مجموعه بوده است، مباحث ارزنده‌ای درباره کشورداری، حکومت و عدالت در آن گنجانده شده است، به‌ویژه در لابلای نامه‌های آن؛ زیرا نامه‌ها صراحتاً درباره امری خاص نوشته شده و موضع صریح نگارنده را مطرح ساخته‌اند و به خاطر حذف واسطه، «امکان تحریف ناشی از سهل‌انگاری در نقل دقیق» آن‌ها کاهش یافته است. از این‌رو، به نحو قابل اعتمادی زوایای طرح مطلوب حکومت از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) را نمایان می‌سازند.

البته ممکن است در نهج‌البلاغه، دلالت‌های صریحی بر مشخصه‌های جامعه عدل نمونه یافت نشود، به‌ویژه با تقسیم‌بندی مورد نظر در این تحقیق که ضمن تفکیک ساختارهای قانون‌گذاری، اجرایی، و قضایی، عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی حیات اجتماعی را متمایز می‌سازد؛ ولی با استناد به معنای استعاره‌ای «راه، راه روشن، آب زلال» که در نهج‌البلاغه بر مسیر و مقصود مطلوب دلالت دارند، چنین به نظر می‌رسد که گوینده در عمل، مترصد انتخاب مسیرهای مفید ساختن یک جامعه نمونه است؛ جامعه‌ای با ویژگی‌های جامعه موعود قرآنی که در آن، حق افراد محترم شمرده شود و امکان رشد و کمال مکارم اخلاقی برای همگان فراهم آید. در جدول ۱ برداشتی از جملات نهج‌البلاغه درباره ضرورت ره‌پویی در راه‌ها و مسیرهای روشن و واضح، برای نیل به آب زلال مقصود ملاحظه می‌شود. در این‌جا رابطه متقابل مسیر و مقصد قابل تأمل است؛ زیرا ره‌پاری در راه روشن برای نیل به مقصدی ارزشمند انجام می‌شود؛ مقصدی که نیل به آن را می‌توان هدف اصلی هر حکومت حق‌مدار تلقی کرد؛ مقصدی که ویژگی‌های آن در نوشته‌ها و سخنان امام علی (علیه‌السلام) بیان شده‌اند؛ زیرا هم‌چنان‌که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، می‌توان گفت که سخنان هر فرد چون «آینه‌ای در برابر اندیشه‌های او است» و نوشته‌های هر فرد «جوهر سخنان، طرح‌ها، و اندیشه‌هایی است که در ذهن دارد».

### مفهوم‌پردازی از عدالت حق‌مدار و الزامات خرده‌سیستم قانونگذاری

پژوهش درباره معنای عدل در نهج‌البلاغه، آدمی را بر دلالت آن بر مفهوم حق رهنمون می‌سازد؛ به طوری که گاهی به ترادف و گاهی به تقارن، عدل و حق را در کنار هم یا ملازم هم می‌یابد (جدول ۳)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که سیستم خط‌مشی‌گذاری مناسب برای تحقق عدالت علوی، همواره باید ملتزم بر رعایت عدل بر مبنای حق باشد.

جدول ۱. دلالت‌استعاره‌ای واژه‌های «راه‌روشن» و «آب» بر وجود طرحی از جامعه‌مطلوب در اندیشه‌امام‌علی (علیه‌السلام) (براساس نهج‌البلاغه)

منبع	متن نمونه سخنان
۱. خطبه ۱۵۳	خردمند با دیده دل پایان‌کار خویش را می‌نگرد و فرود و فراز آن را می‌شناسد.... خردمندی که با دیده دل می‌نگرد و از روی بصیرت کار می‌کند در آغاز باید بداند که آنچه می‌کند به زیان او است یا به سود او.... پس بر بیننده است که بنگرد آیا پیش می‌رود یا باز می‌گردد (ترجمه آیتی، ص ۳۵۱).
۲. خطبه ۱۵۲	اهل بصیرت کسی است که بشنود و بیندیشد و بنگرد و ببیند و از حوادث عبرت گیرد. سپس به راهی روشن قدم نهاد (ترجمه آیتی، ص ۳۴۷).
۳. خطبه ۱۹۲	هر که در راه روشن و آشکار رود به آب رسد و هر که از آن تخلف جوید در بیابان سرگردان بماند (ترجمه آیتی، ص ۴۷۱).
۴. خطبه ۱۸۲	شما در پی جای‌پایی آشکار روان هستید (ترجمه آیتی، ص ۴۳۹).
۵. خطبه ۱۸۸	من بر جاده حق ره می‌سپرم (ترجمه آیتی، ص ۴۵۹).
۶. خطبه ۱۶۱	اگر این آزمایش محنت‌افزا از میان ما برداشته شود، آنان را به راهی می‌برم که حقیقت محض باشد (ترجمه آیتی، ص ۳۷۹).
۷. خطبه ۹۶	همانا من بر راهی آشکار هستم که آن را هر جایی می‌یابم (ترجمه آیتی، ص ۲۱۵).
مفهوم مورد نظر:	دلالت استعاره‌های راه و آب بر طریق نیل به هدف
واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:	راه؛ راه روشن؛ راه حقیقت؛ ورطه باطل؛ آب؛ جاده حق؛ پیش‌روی؛ بیابان.
منابع:	خطبه ۹۶، خطبه ۱۵۲، خطبه ۱۵۳، خطبه ۱۶۱، خطبه ۱۸۲، خطبه ۱۸۸، خطبه ۱۹۲.
نتیجه‌گیری:	التزام به حرکت در راه روشن بر وجود طرحی از مقصد دلالت دارد. وقتی این استعاره درباره رفتارحکومتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بر وجود طرحی منسجم و آشکار از ویژگی‌های حکومت مطلوب گواهی می‌دهد؛ طرحی که هر چند به صراحت ترسیم نشده، ولی از محتوای سخنان و نوشته‌ها قابل بازسازی و تصویرپردازی است.

جدول ۲. گزیده سخنان امام علی (علیه‌السلام) درباره دلالت گفته‌ها و نوشته‌های افراد بر قلب‌ها و اندیشه‌های آنان

منبع	متن نمونه سخنان
۱. حکمت ۱۴۰:	آدمی در زیر زبان خود پنهان است (ترجمه آیتی، ص ۸۶۹).
۲. حکمت ۳۷۲:	سخن در بند تو است، تا آن را بر زبان نیاورده‌ای، چون بر زبانش آوری، تو به بند او درآمده‌ای (ترجمه آیتی، ص ۹۸۹).
۳. حکمت ۳۸۴:	سخن بگویند تا شناخته شوید که آدمی در زیر زبانش پنهان است (ترجمه آیتی، ص ۹۹۵).
۴. حکمت ۲۹۳:	فرستاده‌ای که می‌فرستی، ترجمان عقل تو است و نامه تو رساتر چیزی است که از سوی تو سخن می‌گوید (ترجمه آیتی، ص ۹۵۱).
۵. خطبه ۲۲۴:	زبان پاره‌ای از انسان است. پس چون بازایستد، سخن گفتن آن را یاری نرساند، و چون باز شود، سخن به حال خویش ره‌ایش نخواهد ساخت. ما فرمانروایان گفتاریم و در میان ما است که ریشه‌هایش دویده و شاخه‌های پرمیوه‌اش بر ما فروافتاده (ترجمه آیتی، ص ۵۳۱ و ۵۳۳).
مفهوم مورد نظر:	ارزش نوشته‌ها و سخنان هر فرد برای پی بردن به اندیشه‌ها و مقاصد او
واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:	سخن؛ نامه؛ زبان؛ شناخته شدن؛ ترجمان عقل.
منابع:	خطبه ۲۲۴، حکمت ۱۴۰، حکمت ۲۹۳، حکمت ۳۸۴، حکمت ۳۷۲.
نتیجه‌گیری:	گفته‌ها و نوشته‌های هر فرد بر اندیشه‌ها و طرح‌هایی که در ذهن دارد، دلالت دارند.

جدول ۳. گزیده سخنان امام علی (علیه‌السلام) درباره رابطه مفاهیم «عدل و عدالت» با «حق و حقیقت»، به مثابه مبانی تعریف عدالت‌حق‌مدار

منبع	متن نمونه سخنان
۱. خطبه ۱۱۵:	به خدا سوگند که مردمی بودند با اندیشه‌های خجسته و نیکو، و بردباری بسیار که سخن حق می‌گفتند و از ستمگری گریزان بودند (ترجمه آیتی، ص ۲۷۳).
۲. خطبه ۱۲۵:	مهیای حرکت به سوی قومی شوید که در شناخت حق حیرانند و آن را نتوانند دید و گرفتار ستم شده‌اند و از آن رخ بر نمی‌تابند (ترجمه آیتی، ص ۲۹۱).
۳. خطبه ۱۲۷:	حق را با آن‌که به چشم می‌دیدند، رها کردند. میلشان به ستم بود و به ستم گراییدند. ما پیش از آن‌که رأی ناصواب خود را آشکار کنند و حکمی ظالمانه دهند از ایشان پیمان گرفته بودیم که در حکمیت حق و عدالت را رعایت کنند (ترجمه آیتی، ص ۲۹۵).
۴. خطبه ۱۸۹: [درباره قرآن]	.... باغ‌های عدل است و آبگیرهای آن، سنگ بنای اسلام است و شالوده آن، وادی‌های حق است و دشت‌های هموار آن (ترجمه آیتی، ص ۴۶۵).
۵. خطبه ۲۰۷:	.... و مپندارید که گفتن حق بر من گران می‌آید و نخواهم که مرا بزرگ انگارید؛ زیرا هر که شنیدن حق بر او گران آید یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشوند، عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس با من از گفتن حق یا رأی‌زدن به عدل باز نایستید... (ترجمه آیتی، ص ۴۹۹).
۶. نامه ۷۰:	حکومت عدل ما را دیدند و شناختند و آوازه آن را شنیدند و به گوش سپردند. دریافته بودند که در این جا مردم در برابر حق و عدالت برابرند. پس به‌سوی ترجیح‌خویش گریختند... (ترجمه آیتی، ص ۷۸۱).
۷. نامه ۵۹:	پس باید کار مردم در حقی که دارند در نزد تو یکسان باشد که در فضای زورگویی جایی برای عدل نخواهد بود (ترجمه آیتی، ص ۷۵۹).
مفهوم مورد نظر:	رابطه مفاهیم «حق و حقیقت» با «عدل و عدالت»
واژه‌ها، مفاهیم، و اصطلاحات رهنما:	حق؛ حقیقت؛ عدل؛ عدالت؛ باطل؛ ستم.
منابع	خطبه ۸۶، خطبه ۱۱۵، خطبه ۱۲۵، خطبه ۱۲۷، خطبه ۱۷۰، خطبه ۱۸۹، خطبه ۲۰۷، نامه ۵۹، نامه ۷۰، حکمت ۳۰.
نتیجه‌گیری:	در فرهنگ علوی، عدل و عدالت بر مبنا و محور حق و حقیقت تعریف می‌شود و گاهی مترادف با آن تلقی می‌گردد؛ یعنی اجرای حق بر اجرای عدل دلالت دارد و حکومت باید بر مدار حق حرکت کند.

سلب‌نموده، منافع عمومی مردم جامعه را مدنظر قرار دهند؛ منافعی که در تحصیل و توزیع آن‌ها هیچ‌امتیازی بین طبقات اجتماعی مدنظر قرار نمی‌گیرد و همه آحاد جامعه با حقوق کاملاً برابر در آن‌ها ذینفع محسوب می‌شوند؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این مرحله از خط‌مشی‌گذاری، بیش‌تر بر مفهوم عدالت توزیعی تأکید می‌شود.

اهداف اصلی حکومت، حول احقاق حقوق مردم دور می‌زند و دستور کارها برای برپایی حق و فرونشانی باطل، اجرای عدالت و رعایت حرمت و

جدول ۴، با استناد به برخی از جملات نهج‌البلاغه، بر اهداف حکومت‌حق‌مدار دلالت دارد؛ اهدافی که در سیستم قانونگذاری تجلی می‌یابند؛ خرده‌سیستم قانونگذاری جامعه‌حق‌مدار ملتزم به تدوین قانون و اتخاذ خط‌مشی با هدف استقرار عدل و تحقق حق است؛ گویا هویت اصلی و وجه ممیز جامعه‌حق‌مدار، التزام دائمی به احقاق حقوق مردم و توسعه عدالت اجتماعی است؛ از این‌رو دستور کارهای سیستم خط‌مشی‌گذاری باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که امکان هر گونه سوءاستفاده را از گروه‌های ذی‌نفوذ



جدول ۴. گزیده سخنان امام علی (علیه‌السلام) درباره اهداف اصلی و مبانی تدوین دستور کار در سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار

منبع	متن نمونه سخنان
۱. نامه ۵۳:	و برترین مایه شادمانی والیان، تداوم برپایی عدالت در بلاد است و پدیدار گشتن مهریزی مردم [با آنان]. (ترجمه آیتی، ص ۷۳۱).
۲. خطبه ۳: (شش‌شقیه)	سوگند به آن که دانه را شکافت و جان را آفرید که اگر حضور این جماعت و برپایی برهان به‌وجود یاور نبود و اگر نبود که خداوند از علما عهد گرفته است که در برابر لبریز بودن شکم ظالم و تهی بودن شکم مظلوم آرام نگیرند، ریسمان [شتر] خلافت را بر گردنش می‌افکنم و به سرانجامش همان پیمان‌مانه آغازینش را می‌نوشاندم (ترجمه آیتی، ص ۴۹).
۳. خطبه ۳۳:	... به خدا سوگند این کفش برایم از حکومت شما دوست داشتنی‌تر است، مگر آن‌که [در این حکومت] حقی را بر پای دارم یا باطلی را برافکنم (ترجمه آیتی، ص ۹۵).
۴. خطبه ۲۰۷:	زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی بگذارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا کند، حق در میان آن‌ها عزت یابد و پایه‌های دینشان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد و سنت‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسیر خود افتد و اجرا گردد و در پی آن روزگار به‌صلاح آید و امید به‌بقای دولت‌قوت‌گیرد (ترجمه آیتی، ص ۴۹۷).
۵. خطبه ۳۷:	اکنون هر انسان خوار [ستم‌دیده] در نزد من ارجمند است تا حقش را برایش بستانم و هر نیرومند [سرکش] در نزد من ناتوان و حقیر است تا حق ستم‌دیدگان را از او بستانم (ترجمه آیتی، ص ۱۰۳).
مفهوم مورد نظر:	اهداف اصلی حکومت حق‌مدار علوی و الزامات عدالت توزیعی در آن (مبانی اصلی قانون‌گذاری در سیستم حکومتی حق‌مدار)
واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:	برپایی عدالت؛ ستم‌ستیزی؛ رفع گرسنگی؛ فرو نشانی باطل و برپایی حق؛ به سامان بودن کار مسلمانان؛ عزت یافتن حق در میان مردم؛ برپایی عدل، اصلاح روزگار، و بقای دولت؛ دفع باغیان و متجاوزان؛ بازستانی حق ستم‌دیدگان و مهار گردنکشان.
منابع:	خطبه ۳، خطبه ۳۳، خطبه ۳۷، خطبه ۷۳، خطبه ۲۰۷، خطبه ۲۳۴، نامه ۵۳.
نتیجه‌گیری:	هدف اصلی حکومت علوی استقرار عدالت بوده است. در واقع امام علی (علیه‌السلام) حکومت را با هدف احقاق حق، مهار گردنکشان، فرو نشاندن باطل، رفع گرسنگی، و اصلاح روزگار مردم پذیرفت.

انطباق با خط‌مشی‌های مذکور باشد، فقدان خرده‌سیستم‌های اجرایی مناسب در حوزه‌های اداری و قضایی، ممکن است به ناکام ماندن خط‌مشی‌های حق‌مدار منجر شود. این مهم، به‌طور جدی در نهج‌البلاغه مورد تأکید و توجه قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان بسیاری از الزامات عدالت‌رویه‌ای را از آن اخذ کرد (جدول ۵). در جامعه حق‌مدار، خرده‌سیستم قضایی، مکمل خرده‌سیستم اداری بوده، امکان بازسازی و رشد را برای آن فراهم می‌آورد و در واقع یکی از حلقه‌های بازخور اصلاحی سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی را شکل می‌دهد. قاضی

حقوق برابر انسان‌ها تدوین می‌شود. اهمیت اهداف حکومت حق‌مدار و مفهوم حق در آن، هنگامی بهتر قابل ادراک است که در رفتار خرده‌سیستم‌های اجرایی و قضایی متجلی گردند و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌نمایان شوند.

#### الزامات خرده‌سیستم‌های مجری قانون در جامعه حق‌مدار

پس از مرحله تدوین دستور کار و شکل‌دهی به خط‌مشی، مرحله اجرای آن فرا می‌رسد. بدیهی است که حتی اگر کلیه خط‌مشی‌های حکومتی، کاملاً بر مبنای حق تدوین شوند و جامعه نیز مستعد پذیرش و

جدول ۵. گزیده سخنان امام علی «علیه‌السلام» درباره الزامات عدالت رویه‌ای و ویژگی‌های خرده‌سیستم‌اجرائی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار

منبع	متن نمونه سخنان
۱. نامه ۲۷ [به محمد بن ابوبکر]:	همه را یکسان بنگر. اگر یکی را به گوشه چشم نگرستی به دیگری رو در رو نگاه مکن تا بزرگان از تو نخواهند که بر ناتوانان ستم کنی و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند (ترجمه آیتی، ص ۶۴۱ و ۶۴۳).
۲. نامه ۲۰ [به زید بن ابیه]:	به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر به من خیر رسد که در اموال (فیء) مسلمانان به اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌مایه مانی و بار هزینة عیال بر دوشت سنگینی کند و حقیر و خوار شوی (ترجمه آیتی، ص ۶۲۹).
۳. خطبه ۱۶۳: [در جواب عثمان که برای رفع ستم از مردم مهلت می‌خواست]	آنچه در مدینه است نیازی به مهلت ندارد و آنچه در خارج از مدینه است چندان مهلت باید که فرمان تو به آن‌جا رسد (ترجمه آیتی، ص ۳۸۵).
۴. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	مراقبت نهانی تو در کارهایشان آنان را به رعایت امانت و مدارا در حق رعیت وامی‌دارد. و بنگر تا یاران کارگزارانت تو را به خیانت نیالایند. هر گاه یکی از ایشان دست به خیانت گشود و اخبار جاسوسان در نزد تو به خیانت او گرد آمد و همه بدان گواهی دادند، همین خبرها تو را بس بود. باید به سبب خیانتی که کرده، تنش را بیازاری و از کاری که کرده است بازخواست نمایی. سپس خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او زنی و ننگ تهمت را بر گردنش آویزی (ترجمه آیتی، ص ۷۳۵).
۵. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	بر سر هر کاری از کارهای خود از میان ایشان رئیسی بر گمار. کسی که بزرگی کار مقهورش نسازد و بسیاری آن‌ها سبب پراکندگی خاطرش نشود. اگر در دیران تو عیبی یافته شود و تو از آن غفلت کرده باشی، تو را به آن بازخواست کنند (ترجمه آیتی، ص ۷۳۷).
۶. نامه ۴۶ [به یکی از کارگزاران خود]:	و مباد که یکی را به گوشه چشم نگری و یکی را رویاروی نگاه کنی یا یکی را به اشارت پاسخ‌گویی و یکی را با درود و تحیت. با همگان یکسان باش تا بزرگان به طمع نیفتند که تو را به ستم کردن بر ناتوان برانگیزند و ناتوانان از عدالت تو نومید گردند (ترجمه آیتی، ص ۷۰۷).
۷. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	.... و درباره خواص خویشاوندان و از افراد رعیت، هر کس را که دوستش می‌داری، انصاف را رعایت نمای که اگر نه چنین کنی، ستم کرده‌ای و هر که بر بندگان خدا ستم کند، افزون بر بندگان، خدا نیز خصم او بود (ترجمه آیتی، ص ۷۲۱ و ۷۲۳).
۸. نامه ۵۹ [به مالک اشتر]:	هرگاه والی را نسبت به افراد رعیت، میل و هوا گونه‌گون باشد، بسا از اجرای عدالت باز ماند. پس باید کار مردم، در حقی که دارند، در نزد تو یکسان باشد که از ستم نتوان به عدالت رسید و از هر چه، همانند آن را ناروا می‌شماری، دوری گزین (ترجمه آیتی، ص ۷۵۹).
۹. خطبه ۱۶:	اگر به دست راست روی نهی به گمراهی افتاده‌ای و اگر به دست چپ گمراهی باز هم به گمراهی افتاده‌ای. پس راه میانه را در پیش گیر که رهایی در همان است.... هر که با حق ستیزد، خود تباہ شود.... (ترجمه آیتی، ص ۶۳).
مفهوم مورد نظر:	ویژگی‌های خرده سیستم اداری و الزامات عدالت رویه‌ای در آن
واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:	رفتار یکسان با همه مردم؛ سخت‌گیری با کارگزار خائن؛ التزام به کسب اطلاع از وضع طبقات فقیر جامعه؛ التزام به جبران سریع ظلم و سرعت عمل در استقرار عدل؛ ضرورت تنبیه و تحقیر کارگزار خائن؛ نظارت بر رفتار کارگزاران؛ خشکاندن ریشه طمع توانگران؛ اجتناب از بی‌عدالتی؛ التزام به شایسته‌سالاری؛ التزام به راه حق و پرهیز از چپ و راست و قاطعیت بر مدار حق.
منابع:	خطبه ۳، ۴، خطبه ۱۶، خطبه ۱۶۳، نامه ۵، نامه ۲۰، نامه ۲۷، نامه ۴۱، نامه ۴۶، نامه ۵۳، نامه ۵۹.
نتیجه‌گیری:	خرده سیستم اداری، سیستم حکومتی حق‌مدار ملتزم به رفتار یکسان با همه مردم بوده، برای همه آن‌ها احترام مساوی قائل است. ملتزم به رعایت حق بوده، از افراط و تفریط می‌پرهیزد. مستمرا از وضعیت مردم، به‌ویژه مستمندان کسب اطلاع می‌کند و بر رفتار کارگزاران با آن‌ها نظارت دارد و با کارگزاران خائن به شدت برخورد می‌کند. برای حسن ظن مردم به حکومت ارزش قائل بوده، از آنچه موجب خشم مردم و خدا می‌شود (نظیر بی‌عدالتی) اجتناب می‌کند. ریشه افزون‌طلبی و طمع توانگران را خشک می‌کند و به سرعت برای استقرار عدل و جبران کم‌ترین بی‌عدالتی واکنش نشان می‌دهد.

جامعه حق‌مدار باید وظایف خود را عالمانه و قاطعانه انجام دهد. او به هیچ وجه نباید محتاج دیگران باشد. جامعه باید نیازهای او را برطرف سازد تا بتواند فارغ‌البال و مستقل به انجام وظایف خطیر خود پردازد و رسیدگی به دعاوی با صبر و حوصله و با قاطعیت بر محور حق انجام پذیرد (جدول ۶).

بازخوری که حکومت از خرده‌سیستم قضایی خود دریافت می‌کند، قبل از دریافت بازخور از جامعه هدف است. این بازخور برای تضمین مطلوبیت باززاده‌های اولیه سیستم خط‌مشی‌گذاری دریافت می‌شود؛ در حالی که باززاده‌ها و پیامدهای نهایی پس از اجرای خط‌مشی‌ها در جامعه هدف ارزیابی می‌گردند.

#### شاخص‌های ارزیابی حق‌مداری خط‌مشی در سیستم اجتماعی

هر سیستم خط‌مشی‌گذاری می‌تواند از تعداد مناسبی حلقه‌های بازخور استفاده کند تا همواره با ارزیابی روند کار خود از جریان امور آگاه باشد؛ اما ارزیابی واقعی نتایج کار سیستم خط‌مشی‌گذاری در متن جامعه هدف انجام می‌پذیرد. آنچه در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرد، اهمیت تعریف شاخص‌هایی است که به مثابه مبنای مقایسه و سنجش، میزان تحقق تعهدات سیستم را قابل ارزیابی می‌کنند. اگر هدف نهایی سیستم خط‌مشی‌گذاری، تحقق عدالت حق‌مدار باشد، این شاخص‌ها باید به گونه‌ای تعریف شوند که معرف حد اعلائی احقاق حق در یک سیستم اجتماعی باشند؛ حتی که قرار است مبنای عمل خرده‌سیستم قانون‌گذاری باشد و توسط خرده‌سیستم‌های اجرایی، اعمال گردد و در متن جامعه ارزیابی شود؛ جامعه‌ای که در سه عرصه سیاست، اقتصاد، و فرهنگ فعالیت می‌کند [۱۱] و خود معرض تقابل اقدام‌کنندگان متعدد است. از این رو تقلیل سیستم‌های تعاملی فعال در عرصه جامعه به سیستم تعاملی «حکومت - ملت» تا حد زیادی ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. با این حال، برای تسهیل تحلیل روابط در عمده‌ترین طبقه‌بندی از اقدام‌کنندگان جامعه، به مثابه مدلی بسیار مفید مورد استفاده قرار می‌گیرد (نمودار ۳)؛

مدلی که براساس آن «حکومت و دستگاه‌های حکومتی» و «ملت و نهادهای مردمی» در سه عرصه سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه فعالند و البته در حالت واقعی، هر یک از بخش‌های متعدد تشکیل شده‌اند. دولت (state) به مثابه یک سازمان بزرگ اجتماعی از دستگاه‌ها، سازمان‌ها، و واحدهای گوناگونی استفاده می‌کند و به مثابه یک انجمن سیاسی با ایجاد حوزه اقتدار مستقل، در یک قلمرو تعریف شده مشخص می‌شود و از طریق مجموعه‌ای از نهادهای دائمی اعمال اختیار می‌کند [۱۲] و ملت (nation)، پدیده پیچیده‌ای است که براساس مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، سیاسی، و روانشناختی شکل می‌گیرد [۱۲]؛ و متشکل است از مردمی است که ممکن است به اقوام، نژادها و خرده فرهنگ‌های گوناگون تعلق داشته باشند. حکومت (government) به‌طور متداول بر فراگردهای رسمی و نهادهایی دلالت دارد که در سطح ملی برای حفظ نظم و تسهیل اقدام جمعی عمل می‌کنند. بنابراین کارکردهای اصلی حکومت عبارتند از: تدوین قانون، اجرای قانون، و تفسیر آن [۱۲] که از طریق قوای مقننه، مجریه و قضاییه انجام می‌پذیرند و هر سه عرصه حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر اقدام در سیستم اجتماعی ممکن است ابتدا وجه خاصی از وجوه حیات اجتماعی را بیش‌تر تحت تأثیر قرار دهد، ولی ماهیت اعمال اجتماعی به گونه‌ای است که معمولاً در بلندمدت، کلیه عرصه‌های حیات جمعی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. از این رو تأکید می‌شود که در حالت واقعی، آثار اعمال اجتماعی غیرقابل تفکیکند.

در هر سیستم اجتماعی، مجموعه‌ای از شاخص‌ها و مشخصه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد که آن را از سایر سیستم‌های اجتماعی متمایز می‌سازد. این شاخص‌ها، حدود قانونی و ارزشی سیستم مذکور را معین می‌سازند. توجه شود که تصور کردن مرزها و حدود فیزیکی سیستم‌های اجتماعی نسبتاً ساده است، ولی تشخیص مرزها و حدود قانونی و ارزشی آن‌ها کاری دشوار بوده، مستلزم تأمل بسیار است.

جدول ۶. گزیده سخنان امام‌علی (علیه‌السلام) درباره الزامات عدالت‌رویه‌ای و ویژگی‌های خرده‌سیستم قضایی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار

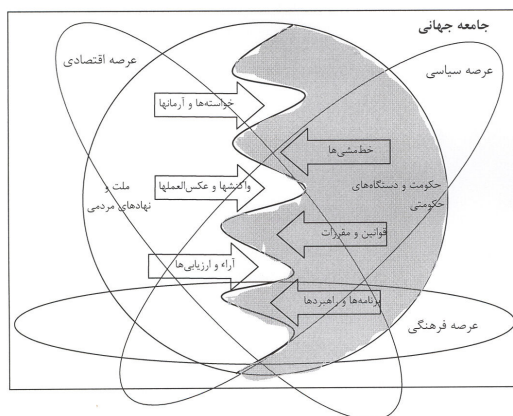
منبع	متن نمونه سخنان
۱. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	قاضی تو باید از هر کس دیگر موارد شبهه را بهتر بشناسد و بیش از همه به دلیل متکی باشد و از مراجعه صاحبان دعوا کم‌تر از دیگران ملول شود و در کشف حقیقت شکیباتر از همه باشد و چون حکم آشکار شد، قاطع رأی دهد... چنین کسان اندک به دست آیند. پس داوری مردی چون او را نیکو تعهد کن و نیکو نگهدار و در بذل مال به او گشاده دستی به خرج ده تا گرفتاریش برطرف شود و نیازش به مردم نیفتد (ترجمه آیتی، ص ۷۳۳).
۲. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	برای داوری در میان مردم یکی از افراد رعیت را برگزین که در نزد تو برتر از دیگران بود؛ از آن کسان که کارها بر او دشوار نمی‌آید و از عهده کار قضا بر می‌آید؛ مردی که مدعیان با ستیزه و لجاج رأی خود را بر او تحمیل نتوانند کرد و اگر مرتکب خطایی شد بر آن اصرار نورزد و چون حقیقت را شناخت در گرایش به آن درنگ نکند (ترجمه آیتی، ص ۷۳۳).
۳. خطبه ۱۸ [در نفی شیوه‌های نادرست صدور حکم]:	در حکمی از احکام به نزد یکی از ایشان مسأله‌ای می‌آید، به رأی خود حکمی می‌دهد؛ سپس آن مسأله را عیناً نزد دیگری می‌برند، به خلاف رأی پیشین رأی می‌دهد؛ سپس قاضیان آن مسأله را به نزد امامی که آن‌ها را به شغل قضا برگماشته می‌برند و او آرای همه ایشان را صواب می‌شمارد؛ خدایشان یکی است و پیامبرشان یکی است و کتابشان یکی. آیا خدای سبحان آنان را به اختلاف فرمان داده و اکنون از او فرمان می‌برند؟ یا آنان را از اختلاف نهی کرده و اکنون عصیان می‌ورزند (ترجمه آیتی، ص ۶۷).
۴. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]	پیمانی مبنی که در آن تأویل را راه تواند بود و پس از بستن و استوار کردن پیمان، برای برهم‌زدنش به عبارات‌های دوپهلوی که در آن‌ها ابهامی باشد تکیه مکن (ترجمه آیتی، ص ۷۴۷).
مفهوم مورد نظر:	ویژگی‌های خرده‌سیستم قضایی و الزامات عدالت‌رویه‌ای در آن
واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:	اجتناب از رشوه؛ التزام به رعایت سنت‌های صحیح؛ اجتناب از شک و تردید؛ تصریح بر ثبات مفهوم حق؛ بی‌نیاز ساختن قاضی از مردم؛ صدور حکم بر مبنای استدلال و علم؛ قاطعیت در صدور حکم؛ حقیقت‌جویی و اصرار بر حق؛ پرحوصلگی و صبر؛ شناخت راه روشن حق؛ اجتناب از پیمان‌های سست و قابل تأویل.
منابع:	خطبه ۱۷، خطبه ۱۸، خطبه ۱۳۱، نامه ۳۷، نامه ۵۳.
نتیجه‌گیری:	خرده سیستم قضایی حکومت حق‌مدار عالمانه، مستدل، قاطع، و بر مدار حق حکم می‌کند؛ به معاهدات و پیمان‌های خود پایبند است و از نقض پیمان، تأویل آن یا بستن پیمان‌های سست می‌پرهیزد؛ حق را می‌جوید و برای نیل به مصادیق آن اصرار دارد و شرایط متفاوت زمانی و مکانی را با آن تطبیق می‌دهد؛ با حوصله به مسائل رسیدگی می‌کند و از موارد شک و تردید و شبهه اجتناب می‌ورزد؛ از سنت‌های نیکو حمایت می‌کند؛ و ضمن تأمین رفاه قضات، زمینه اخذ رشوه در داوری را از میان برمی‌دارد.

مشارکت آگاهانه برای ستم‌ستیزی و احقاق حقوق خود برانگیخته می‌شوند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۷، ترجمه آیتی، ص ۷۵۷) تا هر یک منادی عدالت در جامعه‌ای کل‌نگار (holographic society) باشند [۵]. حاکم حکومت حق‌مدار، دلایل اعمال خود را برای مردم توضیح می‌دهد و آنان را به مشاوره با خود بر می‌انگیزد و این را بر خود سنگین نمی‌یابد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۷، ترجمه آیتی، ص ۲۷۵) و حتی وظیفه خود می‌داند که شرایطی را مهیا سازد تا مردم ضعیف بتوانند به سهولت - و بدون لکنت زبان - حق خود را از صاحبان قدرت بازستانند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه آیتی، ص ۷۴۱).

اهمیت نقش مردم چنان است که حتی اگر گرایش غالب مردم به ستم یا نادانی باشد، حکومت ملزم به آگاه ساختن و هدایت آن‌ها خواهد بود و این هدایت با مدارا و رعایت حقوق آن‌ها انجام می‌شود تا جایی که حتی ممکن است رأی صائب امام با رأی مردم نادان هماهنگ گردد تا امکان هدایت آن‌ها از دست نرود (نهج‌البلاغه، خطبه ۶، ترجمه آیتی، ص ۱۰۱).

هیأت حاکمه چنین حکومتی همواره در معرض تکالیفی دوگانه قرار دارد. از یک سو باید مابوق مسائل حکومتی را برای مردم شهرها توضیح داده (نهج‌البلاغه، نامه ۵۸، ترجمه آیتی، ص ۷۵۷)، حسن ظن آن‌ها را جلب کند و از استبداد بپرهیزد و از دیگر سو باید قاطعانه و به دور از افراط و تفریط - یا گرایش به چپ و راست - اعمال حاکمیت کند (نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۱۶، ۲۴، ۴۰ و ترجمه آیتی، ص ۶۳، ۷۷ و ۱۰۵). عرصه سیاسی این حکومت چنان نظم می‌یابد که زمینه مشارکت «همه مردم» در انتخاب رهبر فراهم آید و حتی زمانی که رهبر مشروعیت خود را از انتصاب الهی کسب می‌کند، تحقق امر او در جامعه، منوط به بیعت مردم می‌گردد (جدول ۷).

• عرصه اقتصادی (economical area): وضعیت عرصه اقتصادی هر جامعه، عینی‌ترین ارزیابی‌ها را درباره میزان رعایت عدالت در آن به نمایش می‌گذارد؛ زیرا ساختارها و نهادهای فرآوری و تجمع ثروت، تا



نمودار ۳. نمودار کلی رابطه حکومت و ملت در عرصه‌های سه‌گانه حیات اجتماعی

در این جا تلاش می‌شود که شاخص‌ها و حدود ممیز جامعه حق‌مدار، براساس فرهنگ نهج‌البلاغه دسته‌بندی شوند تا برای استخراج شاخص‌های غالب و مبانی منطقی معرف حکومت عدل در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی حیات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

• عرصه سیاسی (political area): ویژگی‌های عرصه سیاسی هر جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختارهای قدرت و نفوذ داشته، الزاماتی را بر فراگرد تعیین میزان مشارکت اعضای جامعه تحمیل می‌کنند. جامعه حق‌مدار، جامعه‌ای است که در آن مناصب قدرت براساس شایستگی افراد توزیع می‌شوند. از این رو، همه افراد این جامعه از امکان مساوی صعود در سلسله مراتب قدرت برخوردارند. این سلسله مراتب بسیار کوتاه و در دسترس همگان است و افراد صاحب منصب به شدت تحت مراقبت و نظارت مردم قرار می‌گیرند. حاکم موظف است مردم را قانع سازد و حسن ظن آن‌ها را جلب کند. در این حکومت امکان تجمیع منابع قدرت در دست افراد و خانواده‌ها کاهش می‌یابد و حکومت‌داران باید متکی به عامه مردم باشند تا جایی که از عامه مردم به منزله «ستون دین» یاد می‌شود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه آیتی، ص ۷۲۳) و به رأی خود کارکردن، ستم و خیانت تلقی می‌گردد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه آیتی، ص ۷۳۳) و مردم به

درهم می‌شکند و بدین ترتیب، مقاومت گروه‌های ذینفع را برمی‌انگیزد. در چنین احوالی، توسعه فرهنگ عدالت‌پذیر، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری حکومت حق‌مدار خواهد داشت.

جامعه حق‌مدار مردمی بی‌باک می‌پروراند؛ حکومت نیز موانع اقتدار آن‌ها را از میان برداشته، خاضعانه به آنان پاسخ می‌دهد. افزون بر این، مسائل اجتماعی را برایشان بازگو می‌کند، اطلاعات را به سهولت منتشر می‌سازد و در دسترس همگان قرار می‌دهد و استثنایی قائل نمی‌شود، مگر درباب اسرار نظامی و دفاعی که حفظ و کتمان آن برای حفظ امنیت جامعه ضرورت دارد (جدول ۹).

بدین ترتیب، جامعه‌ای شکل می‌گیرد فاقد طبقات ممتاز و برگزیده! اشرافیت به شیوه متداول در سایر جوامع، در این جامعه اعتباری ندارد. همه مردم از احترام و حرمت مساوی برخوردارند و برگزیدگان این جامعه، علمای عامل به وظایف خویشند که معمولاً از حیث امتیازات مالی، خود را در شرایطی محروم‌تر از دیگران حفظ می‌کنند و شرافت خویش را از تلاش بیش‌تر در اطاعت از خدا و خدمت به خلق او کسب می‌کنند.

همان‌طور که ذکر شد، چنین اوضاع و احوالی، ساختارهای قدرت متداول را به مقاومت برمی‌انگیزد؛ مقاومتی که به افزایش سطح تشنج، تنش، و بی‌ثباتی اوضاع می‌انجامد و چه بسا که چون دوران حکومت علوی، در اندک زمانی به هجده متوالی سپاهیان زر و زور و تزویر بینجامد.

با تأمل در پیامدهای استقرار عدالت در دوران یاد شده، چنین به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل بازدارنده بی‌ثباتی‌های ناشی از اقتدار طلبی گروه‌های اجتماعی ذی‌نفوذ، افزایش سطح شعور و بلوغ اجتماعی است. در ابتدای شکل‌گیری حکومت علوی، با حضور افرادی چون مالک اشتر و محمد ابوبکر و عمار یاسر و بسیاری از یاران مخلص، جامعه مقاومت نسبتاً خوبی نشان می‌دهد؛ اما به‌طور طبیعی با شهادت پی در پی این‌گونه یاران، و جایگزین نشدن آن‌ها توسط افرادی نظیر

حد قابل توجهی شناخته شده‌اند و جهت‌گیری جریان‌های ثروت و قدرت اقتصادی، با رصد جریان‌های مالی قابل تعقیب است؛ ضمن این‌که تأثیر بی‌عدالتی در عرصه اقتصادی با سرعت و شدت بیش‌تری نمایان می‌گردد.

حکومت حق‌مدار حکومتی است که امنیت اقتصادی و احترام به حق مالکیت افراد را تضمین می‌کند؛ ولی نسبت به فاصله طبقاتی حساس است و وضع مالی مسئولان و کارگزاران بلندمرتبه نظام را به شدت تحت‌نظر دارد. این حکومت نسبت به تأمین رفاه عامه مردم حساس است و مسئولیت تأمین معاش کارگزاران، سپاهیان، و به‌ویژه قضات را به عهده می‌گیرد (جدول ۸).

تأکید بر ضرورت فقرزدایی و جلوگیری از تنگدستی و هلاکت مردم، هشدار است درباره مسئولیت خطیر کارگزاران حکومت حق‌مدار در باب اهتمام به توسعه و کاهش رنج اتباع جامعه. دولت باید زندگی کارگزاران خود را به‌گونه‌ای تأمین کند تا بهانه‌ای برای خیانت به اموال عمومی نداشته باشند. مساوات در حکومت حق‌مدار مفهومی دقیق و فراگیر دارد تا جایی که حتی بر نگاه یکسان و مشابه‌والی به مردم دلالت می‌یابد. دولت حق‌مدار، مسئول تضمین امنیت اقتصادی و مالکیت مردم است و باید بر کارکردهای اقتصادی اصناف و گروه‌های متفاوت جامعه نظارت داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که نتوانند حریم یکدیگر را خدشه‌دار کنند.

• عرصه فرهنگی (cultural area): معمولاً پایدارترین نمودهای رفتاری اعضای هر سیستم اجتماعی و با ثبات‌ترین جلوه‌های کارکردی آن‌ها از عرصه فرهنگی آن ریشه می‌گیرند. عرصه فرهنگ، عرصه عمیق‌ترین تعاملات میان باورها و مفروضات، ارزش‌ها و هنجارها، ساخته‌ها و مصنوعات، و سمبل‌ها و نمادهای منتخب جامعه است [۱۳]. حکومت حق‌مدار حکومتی است که بر تحقق عدالت اجتماعی اصرار دارد. بنابراین ساختارهای قدرت سیاسی و اقتصادی جوامع انسانی را

جدول ۷ شاخص‌های ارزیابی حق‌مداری عدالت در عرصه سیاست

منبع	متن نمونه سخنان
موضوعیت رأی مردم و نحوه بیعت آن‌ها، اهمیت امنیت اجتماعی، مشارکت مردم، و ضرورت پرهیز والیان از خودکامگی و استبداد و افراط و تفریط	
۱. خطبه ۹۱:	اگر مرا به حال خود رها کنید، من نیز چون یکی از شما خواهم بود. شاید بیش‌تر از شما به سخن آن‌که کار خود را به او وا می‌گذارید، گوش سپارم و بیش‌تر از شما از او فرمان ببرم. اگر برای شما وزیر با شرم بهتر از آن است که امیر باشم (ترجمه آیتی، ص ۲۰۵).
۲. خطبه ۱۷۲ [درباره شرایط بیعت]:	به جان خودم سوگند که اگر پیشوایی جامعه منوط به حضور همه مردم بود، هیچ راهی به سوی آن نبود، اما اهل آن بر آن‌که در انتخاب حضور نداشته، حکم خواهند کرد. سپس بر آن‌که حضور داشت روا نیست که [از رأی خود] باز گردد و بر آن‌که غایب بود [نیز] روا نیست که انتخابی دیگر کند (ترجمه آیتی، ص ۴۰۷).
۳. نامه ۱ [خطاب به مردم کوفه]: (۶۰۳).	.... آنگاه مردم با من بیعت کردند، نه از روی اکراه و اجبار بل به رضایت و اختیار (ترجمه آیتی، ص ۳۸۳).
۴. خطبه ۱۳۶ [درباره نحوه بیعت]:	بیعت شما با من ناگهانی و بی تأمل نبود (ترجمه آیتی، ص ۳۱۱).
۵. خطبه ۱۶۳:	مردم پشت سر من هستند و مرا چون سفیری از سوی خود به نزد تود فرستاده‌اند (ترجمه آیتی، ص ۳۸۳).
۶. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	و باید که دورترین مردم از تو و منفورترین آن‌ها در نزدت کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردمان است؛ زیرا در مردمان عیب‌هایی است و والی از هر کس دیگر، به پوشیدن آن‌ها سزاوارتر است (ترجمه آیتی، ص ۷۲۳).
۷. خطبه ۲۷:	به خدا سوگند به هیچ قومی در خانه‌هایشان تاخت نیاوردند، مگر آن‌که زبون خصم گشتند.... کار را به آن‌جا رسانیده‌اند که شنیده‌ام که یکی از آن‌ها بر خانه زن مسلمانی داخل شده و دیگری وارد خانه زنی از اهل ذمه، و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌اش را ربوده است و آن زن جز آن‌که انا الله.. گوید و از او ترحم جوید چاره‌ای نداشته است. آن‌ها پیروزمندان با غنایم، بی آن‌که زخمی بردارند یا قطره‌ای از خونشان ریخته شود، بازگشته‌اند. اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نباید ملامتش کرد، بلکه مرگ را سزاوار است (ترجمه آیتی، ص ۸۱ و ۸۳).
۸. نامه ۱۰ [خطاب به معاویه]: (۶۱۷).	مرا به جنگ فراخواندی، مردم را به یک‌سو نه، خود به تن خویش به پیکار من آی.... (ترجمه آیتی، ص ۶۱۷).
۹. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	پس هیچ‌گاه سیطره خویش را با ریختن خون حرام تقویت مکن که این کار از جمله چیزهایی است که آن را ضعیف و سست می‌گرداند و بلکه آن را از میان برده و [به دیگری] منتقل می‌سازد. اگر مرتکب قتل عمد شوی، نه در برابر خدا معذوری، نه در برابر من؛ زیرا قتل عمد، موجب قصاص می‌شود (ترجمه آیتی، ص ۷۴۹).
۱۰. خطبه ۲۰۷:	پس با من از گفتن حق یا رأی زدن به عدل باز نایستید؛ زیرا من در نظر خود بزرگ‌تر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم، مگر آن‌که خداوندی که مالک‌تر از من به من است، کفایت کند (ترجمه آیتی، ص ۴۹۹؛ و خطبه ۲۱۶ در ترجمه جعفری، ص ۷۰۳).
۱۱. نامه ۵۳ [به مالک اشتر]:	ستون دین، انبوهی مسلمانان، و ساز و برگ در برابر دشمنان، عامه مردم هستند. پس باید گرایش تو به آنان و میل تو به سوی ایشان باشد (ترجمه آیتی، ص ۷۲۳).
۱۲. نامه ۵۳:	برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین، مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد و برای خدایی که

<p>[به مالک اشتر، درباره آفریدگار تو است در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان به یک سو شوند تا مردمی که به والی نیاز سخنگویان بی‌هراس و بی لکنت سخن خویش بگویند که من از رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌و آله) بارها دارند یا با او کار دارند]: شنیدم که می‌گفت «هرگز پاکیزه نمی‌گردد امتی که در میان آن‌ها حق ناتوان بدون لکنت زبان از توانمند باز ستانده نشود». پس تحمل نمای، درشتگویی یا عجز آن‌ها را در سخن گفتن (ترجمه آیتی، ص ۷۴۱).</p>	
<p>۱۳. خطبه ۶۸: نمی‌خواهم شما را اصلاح کنم، درحالی که خود را تباه کرده باشم (ترجمه آیتی، ص ۱۳۷).</p>	
<p>۱۴. خطبه ۳۰: من اکنون به‌گونه‌ای کلی داستان او را برای شما بیان می‌کنم. خود کامگی نمود و در این خودکامگی بد کرد. شما نیز ناشکیبایی کردید و در این ناشکیبایی بد رفتار کردید (ترجمه آیتی، ص ۹۱). [درباره عثمان و کشته شدن او]:</p>	
<p>۱۵. نامه ۵۳: نیکوکاران را از آنچه خدواند درباره آن‌ها بر زبان مردم جاری ساخته توان شناخت (ترجمه آیتی، ص ۷۱۹). [به مالک اشتر]:</p>	
<p>۱۶. نامه ۵۳: زنهار از این که به نیکی کردن، منت بر مردم نهی یا درباره آنچه از جمله اعمال بوده، بزرگ نمایی کنی، یا به مردم وعده دهی و خلاف آن نمایی که همانا منت نهادن، نیکی را باطل سازد، و بزرگ‌نمایی، روشنی حق را ببرد، و خلف وعده سبب برانگیختن خشم خدا و مردم شود (ترجمه آیتی، ص ۷۴۹). [به مالک اشتر]:</p>	
<p>۱۷. خطبه ۱۶: راست و چپ، طریق گمراهی است، و راه میانه همان جاده است (ترجمه آیتی، ص ۶۳).</p>	
<p>۱۸. خطبه ۴۰: مردم را امیر و فرمانروایی باید، خواه نیکوکار و خواه بدکار تا مؤمن در سایه حکومت او به کار خود پردازد و کافر از زندگی خود تمتع گیرد (ترجمه آیتی، ص ۱۰۵).</p>	
<p>مفهوم مورد نظر: شاخص‌های اصلی جامعه حقوق‌مدار در عرصه سیاسی حیات اجتماعی</p>	
<p>مردم؛ رعیت؛ بیعت؛ رأی مردم؛ امنیت مردم؛ حفظ جان مردم؛ مشاوره با مردم؛ رابطه خشم خدا و خشم مردم؛ قاطعیت حکومت؛ نفی استبداد؛ شایسته سالاری.</p>	<p>واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:</p>
<p>منابع: خطبه ۳، خطبه ۹۱، خطبه ۱۷۱، خطبه ۱۷۲، خطبه ۵، خطبه ۶، خطبه ۵۳، خطبه ۱۳۶، خطبه ۱۶۳، خطبه ۲۲۰، خطبه ۸، خطبه ۱۷۰، خطبه ۲۷، خطبه ۱۷۱، خطبه ۱۵۸، خطبه ۳۰، خطبه ۳۶، خطبه ۴۳، خطبه ۶۸، خطبه ۱۱۷، خطبه ۲۰۷، خطبه ۲۳۸، خطبه ۱۶، خطبه ۲۴، خطبه ۴۰، نامه ۶، نامه ۷، نامه ۱، نامه ۵۳، نامه ۵۴، نامه ۱۸، نامه ۱۰، نامه ۵۳؛ نامه ۵۷.</p>	
<p>منبع قدرت در عرصه سیاسی حکومت حقوق‌مدار، متکی به رأی مردم است. حتی امام معصوم - علی‌رغم نصب الهی - هنگام مواجهه با انحراف رأی مردم، سکوت کرده خانه‌نشین می‌شود. بیعت باید به رضا و با اختیار باشد و حکومت با حضور و حمایت عامه مردم تحقق می‌یابد. دشمن مردم، دشمن حاکم حقوق‌مدار است. جان و مال مردم محترم است و مردم به داشتن صراحت لهجه و بازستانی حقوق خود ترغیب می‌شوند. استبداد نفی می‌شود و حکومت برای حسن ظن خود به مردم و جلب حسن ظن مردم به خود، ارزش قابل توجهی قائل می‌شود و با هر گونه تبعیض و نابرابری در عرصه سیاسی مقابله می‌شود. مبنای اصلی کسب قدرت و توزیع منصب‌های اجتماعی در حکومت حقوق‌مدار، فقط شایستگی است.</p>	<p>نتیجه‌گیری:</p>



جدول ۸ شاخص‌های ارزیابی حق‌مداری عدالت در عرصه اقتصاد

وضع زندگی هیأت حاکمه، ضرورت فقرزدایی، تأمین معاش کارگزاران، سهولت تجارت و رعایت برابری و مساوات در تقسیم منابع اقتصادی عمومی	
منبع	متن نمونه سخنان
۱. نامه ۴۵ [خطاب به عثمان حنیف]:	آیا به همین راضی باشم که مرا امیرالمؤمنین گویند و با مردم در ناخوشی‌های روزگارشان مشارکت نداشته باشم؟ یا آن‌که در سختی زندگی مقتدایشان نشوم؟ مرا برای آن نیافریده‌اند که چون چارپایان در آغل بسته که همه مقصد و مقصودشان نشخوار علف است، غذاهای لذیذ و دلپذیر به خود مشغولم دارد... (ترجمه آیتی، ص ۷۰۳).
۲. نامه ۴۵ [به عثمان حنیف]:	.... نفس خویش را چنان پرورش دهم که چون قرص نانی یابد شادمان شود و به جای هر نان خورش، به نمک قناعت ورزد... آیا آن گوسفند از علف اشباع گشته و اینک به آغل خود روی می‌نهد؟ آیا علی نیز از توشه خویش می‌خورد و سپس آرام می‌گیرد؟ اگر علی پس از سالیان دراز به آن گوسفند یا شتر رهاشده در علفزار اقتدا کند، چشمش روشن باد... پس ای پسر حنیف از خدا بترس. به همان چند قرص نان اکتفا کن تا از آتش رهایی یابی (ترجمه آیتی، ص ۷۰۵ و ۷۰۷).
۳. خطبه ۲۱۵:	به خدا سوگند عقیل را در نهایت بی‌نوبی دیدم. از من خواست تا یک صاع (حدود سه کیلوگرم) از گندم شما مردم را به او ببخشم؛ در حالی که فرزندانش را از شدت فقر آشفته‌موی و گردآلود، با چهره‌ای نیلین می‌دیدم. چند بار نزد من آمد و خواهش خود مکرر کرد و من همچنان به او گوش می‌دادم و او پنداشت که دینم را به او می‌فروشم و شیوه خویش وامی‌گذارم و از پی هوای او می‌روم. پس پاره آهنی را در آتش گداختم و تا مگر عبرت گیرد به تنش نزدیک کردم. عقیل همانند بیماری ناله سر داد و بیم آن بود که از حرارتش بسوزد. گفتم ای عقیل نوحه‌گران در عزایت بگریند. آیا از حرارت آهنی که انسانی به بازیچه گداخته است می‌نالی و مرا از آتشی که خداوند جبار به خشم خود افروخته بیمی نباشد؟ (ترجمه آیتی، ص ۵۱۹).
۴. نامه ۵۳ [به مالک/اشتر]:	خدا را خدا را در باب طبقه فرودین، کسانی که بیچاره‌اند از مساکین و نیازمندان و بینوایان و زمین‌گیران. در این طبقه مردمی هستند سائل و مردمی هستند که در عین نیاز روی سؤال ندارند. خداوند حقی را برای ایشان مقرر داشته و از تو خواسته است که آن را رعایت کنی. پس در نگهداشت آن بکوش. برای اینان در بیت‌المال خود حقی مقرر دار و نیز بخشی از غلات اراضی خالصه اسلام را در هر شهری به آنان اختصاص ده؛ زیرا برای دورترینشان همان حقی است که نزدیک‌ترینشان از آن برخوردارند. و از تو خواسته‌اند که حق همه را، اعم از دور و نزدیک نیکو رعایت کنی. سرمستی و غرور تو را از ایشان غافل نسازد؛ زیرا این بهانه که کارهای خرد را به سبب پرداختن به کارهای مهم و بزرگ از دست هشته‌ای، هرگز پذیرفته نخواهد شد... اینان مردمی هستند که در نظر دیگران بی‌مقدارند و مورد تحقیر رجال حکومت. کسانی از امینان خود را که خدای ترس و فروتن باشند، برای نگرستن در کارهایشان برگمار تا نیازهایشان را به تو گزارش کنند... گروه ناتوانان و بینوایان به عدالت تو نیازمندتر از دیگرانند و چنان باش که برای یک یک آنان در پیشگاه خداوندی، در ادای حق ایشان، عذری توانی داشت. تیماردار یتیمان باش و غمخوار پیران از کار افتاده که بیچاره‌اند و دست سؤال پیش کسی دراز نکنند و این کار بر والیان دشوار و گران است و هر گونه حقی دشوار و گران آید (ترجمه آیتی، ص ۷۳۹ و ۷۴۱).
۵. نامه ۴۷:	خدا را خدا را درباره یتیمان. مباد آن‌ها را روزی سیر نگه دارید و دیگر روز گرسنه و مباد که در نزد شما تباه شوند (ترجمه آیتی، ص ۷۰۹).
۶. نامه ۵۳:	در کار خراج نیکو نظر کن، به گونه‌ای که به صلاح خراجگزاران باشد؛ زیرا صلاح کار خراج و خراجگزاران، صلاح کار دیگران است و دیگران حالشان نیکو نشود، مگر به نیکو شدن حال

<p>خراجگزاران؛ زیرا همه مردم روزی‌خوار خراج و خراج‌گزارانند.... هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد مگر اندکی. هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین، چون در آب فرو رفتن آن یا بی‌آبی، شکایت نزد تو آوردند، از هزینه و رنجشان بکاه، آن‌قدر که امید می‌داری که کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید؛ زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد که ستایش آن‌ها را به خود جلب کرده‌ای و سبب شادمانی دل تو گردد که عدالت را در میانشان گسترده‌ای. و به افزودن ارزاقشان به آنچه در نزد ایشان اندوخته‌ای، از آسایش خاطرشان و اعتمادشان به دادگری خود و مدارا در حق ایشان، برای خود تکیه‌گاهی استوار ساخته‌ای..... (ترجمه آیتی، ص ۷۳۵).</p>	
<p>چون بلاد آباد گردد، هر چه برعهده مردمش نهی، انجام دهند که ویرانی زمین را تنگدستی مردم آن سبب شود و مردم زمانی تنگدست گردند که همت والیان، همه گردآوردن مال بود و به ماندن خود بر سر کار اطمینان نداشته باشند و از آنچه مایه عبرت است، سود برنگیرند (ترجمه آیتی، ص ۷۳۵ و ۷۳۷).</p>	<p>۷. نامه ۵۳ [به مالک/اشتر]:</p>
<p>در ارزاقشان بیفزای، زیرا فراوانی ارزاق، آنان را بر اصلاح خود نیرو دهد و از دست‌اندازی به مالی که در تصرف دارند، بازمی‌دارد و نیز برای آن‌ها حجت است، اگر فرمانت را مخالفت کنند یا در امانت خللی پدید آورند (ترجمه آیتی، ص ۷۳۵).</p>	<p>۸. نامه ۵۳ [به مالک/اشتر]:</p>
<p>هیچ‌کس را برای درهمی تازیانه نزنید و دست به مال هیچ‌کس، چه مسلمان و چه ذمی نبرید.... (ترجمه آیتی، ص ۷۱۵).</p>	<p>۹. نامه ۵۱:</p>
<p>آیا مرا فرمان می‌دهید که پیروزی را طلب کنم به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده‌ام؟ به خدا سوگند چنین نکنم. تا شب و روز از پی هم می‌آیند و در آسمان ستاره‌ای از پس ستاره دیگر طلوع می‌کند؛ اگر این مال از آن من می‌بود، باز هم آن را به تساوی به میانشان تقسیم می‌کردم، پس چگونه چنین نکنم، درحالی که مال از آن خداوند است (ترجمه آیتی، ص ۲۹۱ و ۲۹۳).</p>	<p>۱۰. خطبه ۱۲۶ [هنگامی که او را مورد عتاب قرار دادند که چرا عطا یا را به تساوی تقسیم می‌کند]:</p>
<p>اما در باب این‌که چرا در تقسیم، مساوات می‌کنم، این هم چیزی است که من به رأی خود یا از روی هوای نفس در آن قضاوت نکرده‌ام. من و شما دو تن دیده‌ایم که رسول الله (صلی‌الله‌علیه و آله) در این باب چه حکمی آورده و چگونه عمل کرده است (ترجمه آیتی، ص ۴۷۷).</p>	<p>۱۱. خطبه ۱۹۶ [خطاب به طلحه و زبیر]:</p>
<p>بدان که مسلمانانی که در نزد تو هستند یا در نزد ما هستند، سهمشان از این غنیمت برابر است. برای گرفتن سهم خود نزد من می‌آیند و چون بگیرند، باز می‌گردند (ترجمه آیتی، ص ۶۹۷ و ۶۹۹).</p>	<p>۱۲. نامه ۴۳ [به عامل خود در اردشیر خره]:</p>
<p>تو را در این صدقه نصیبی است ثابت و حقی است معلوم، و نیز مسکینان و بینوایان با تو شریکند. من حق تو را به تمامی می‌پردازم، تو نیز حق آنان را به تمامی بپرداز که اگر چنین نکنی در روز جزا مدعیان تو از همه بیش است و بدا به حال کسی که مدعیانش در پیشگاه عدل الهی، فقیران و مسکینان و سائلان و رانده شدگان و وامداران و در راه‌ماندگان باشند (ترجمه آیتی، ص ۶۴۱).</p>	<p>۱۳. نامه ۲۶ [به یکی از کارگزاران زکات]:</p>
<p>مفهوم مورد نظر: شاخص‌های اصلی جامعه حق‌مدار در عرصه اقتصادی حیات اجتماعی</p>	
<p>فقرزدایی؛ حق فقیران، یتیمان، بیوه زنان، و پیران از کارافتاده؛ تنگدستی مردم؛ گرسنگی و تشنگی و بینوایی؛ نظارت بر وضع زندگی فقرا؛ حق مساوی همه در برخورداری از رفاه؛ همراهی با مردم؛ حفظ بیت‌المال؛ قطع طمع نزدیکان؛ حساب‌کشی از کارگزاران؛ الگوگیری از زهد پیامبران؛ قناعت، نفی تکاثر، زهد، و ساده زیستی والی؛ توسعه و آبادانی کشور؛ مالیات؛ جلب حسن ظن و اعتماد مردم؛ مال‌اندوزی والیان؛ معیشت کارگزاران، سپاهیان، و قضات؛ نفی احتکار؛ تسهیل تجارت؛ تضمین مالکیت آزاد؛ محل خرج مالیات‌ها؛ توزیع درآمد مازاد بر حسب مشارکت افراد؛ مساوات در برخورد با مردم؛ سهم مساوی از بیت‌المال؛ سهم مساوی رزمندگان از غنایم.</p>	<p>واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات رهنما:</p>

منابع:	خطبه ۱۰۴، خطبه ۱۲۶، خطبه ۱۵۹، خطبه ۱۹۶، خطبه ۲۱۵، خطبه ۲۲۳، نامه ۲۵، نامه ۲۶، نامه ۴۱، نامه ۴۳، نامه ۴۵، نامه ۴۶، نامه ۴۷، نامه ۵۰، نامه ۵۱، نامه ۵۳.
نتیجه‌گیری:	<p>عرصه اقتصادی حکومت حق‌مدار، عرصه‌ای آزاد برای فعالیت تجاری است. مالکیت افراد محترم شمرده می‌شود و به آنها اعتماد می‌شود و براساس همین اعتماد به صورت داوطلبانه و بر مبنای اطلاعات اظهار شده توسط خود مردم، مالیات اخذ می‌شود.</p> <p>دولت مکلف به تأمین معاش همه مردم و تضمین منافع اجتماعی است. از این‌رو، بر رفتار عادلانه واحدهای اقتصادی و قیمت‌گذاری‌ها نظارت دارد و از احتکار و انحصار و شکل‌گیری گروه‌های اقتصادی ذینفع فرصت طلب جلوگیری می‌کند و مسئول توسعه و آبادانی کشور است.</p> <p>حکومت، مسئول تأمین حداقل رفاه برای گروه‌های فقیر، مسکین، از کارافتاده، در راه مانده، و خانواده‌های بی سرپرست و یتیم است. هیأت حاکمه در حد پایین‌ترین طبقات مردم زندگی می‌کند. هزینه معیشت کارگزاران، سپاهیان، و به ویژه قضات تأمین می‌گردد و باید که قضات بی نیاز از مردم باشند.</p> <p>درآمد عمومی بیت‌المال متعلق به همه مردم است و سهم آنان از بیت‌المال به تساوی در اختیار آنان قرار می‌گیرد؛ ولی هزینه فقرزدایی از ضروری‌ترین هزینه‌ها است که قبل از هر اقدام دیگری پرداخت می‌گردد.</p>

#### جدول ۹ شاخص‌های ارزیابی حق‌مداری عدالت در عرصه فرهنگ

اهمیت یاران صالح، و مردم حق‌طلب، ضرورت تعلیم دادن و آگاه ساختن مردم، و ویژگی‌های یاران صالح و فرهنگ عدالت‌پذیر	
منبع	متن نمونه سخنان
۱. خطبه ۵ [هنگامی که عباس و ابوسفیان خواستند که پس از پیامبر و واقعه سقیفه، با ایشان بیعت کنند]:	آن‌که با بال پرید، رستگار شد یا مسالمت ورزید و آسوده گشت (توضیح: پیروز کسی است که او را یاورانی است و به نیروی آن‌ها قیام می‌کند و یا تسلیم می‌شود و خود را آسوده می‌سازد)... آن کس که ثمره بوستان خود را پیش از رسیدنش بچیند، همانند کشاورزی است که در زمین دیگری می‌کارد.... اسراری در دل نهفته دارم که اگر آشکار کنم، لرزه بر اندامتان افتد، چونان‌که طناب فرو شده در چاه می‌لرزد (ترجمه آیتی، ص ۵۳).
۲. خطبه ۳۲:	<p>نیکوکار بدکار شمرده می‌شود و ستمکار هر دم به ستمش می‌افزاید.... پس مردم چهار گروه‌اند: کسی است که اگر در زمین فساد نمی‌کند، سببش بیچارگی او است و کندی شمشیرش و اندک بودن مالش؛ و کسی که شمشیر از نیام برکشیده و شر خویش آشکار کرده و سواران و پیادگان خود برانگیخته و خود را مهبای فتنه‌گری و فساد ساخته تا به اندک متاع دنیا رسد.... و کسی که دنیا را طلب می‌کند، با اعمالی که از آن آخرت است، ولی آخرت را نمی‌طلبد با اعمالی که از آن دنیا است....؛ و کسی است که حقارت نفس و فقدان وسیلت موجب آن شده که به طلب فرمانروایی بر نخیزد، بلکه به همان حال که بوده است بماند. چنین کسی خود را به حيله قناعت می‌آراید و جامه اهل زهد و پرهیز می‌پوشد و حال آن‌که، نه روزی را در زهد به شب آورده و نه شبی را با پرهیزکاری به روز رسانیده است. از اینان که بگذریم مردمی هستند که یاد قیامت چشمانشان را فرو بسته و ترس از روز محشر، سرشکشان جاری ساخته است. اینان گاه گریزانند و تنها، گاه مقهورند و ترسان، گاه خاموشند و دهان بسته. خدا را به اخلاص می‌خوانند و همواره گریان و دردمندند. در گمنامی زیسته‌اند تا خود را از آسیب حکام ستمکار در امان دارند. نامردی و مذلت، ایشان را در میان گرفته، گویی در دریای نمک غرقه‌اند... از اندرزه‌های پیایی دادن ملول شده‌اند و از قهر جاهلان به ستوه آمده‌اند. کشته شده‌اند تا شمارشان روی در نقصان نهاده (ترجمه آیتی، ص ۹۱ و ۹۳).</p>

۳. خطبه ۳۶:	بسا شما را از حکمیت منع کردم و شما سر بر تافتید و مخالفت ورزیدید، چون کسانی که عهد و بیعت شکسته باشند؛ تا به ناچار رأی خود با خواست شما هماهنگ کردم. به راستی که مردمی سبک مغز و سفیه و ناپردبار هستید (ترجمه آیتی، ص ۱۰۱).
۴. خطبه ۲۲۴:	شما در زمانی هستید که حق‌گویان در آن اندکند و زبان‌ها در گفتن راست ناتوان، و جویندگان حق بی‌مقدارند (ترجمه آیتی، ص ۵۳۳).
۵. خطبه ۷:	آنچه می‌گفتم، معنا آن در نمی‌یافتید؛ زیرا شایسته دریافت آن نبودید. ای شگفتا، شگفتا، دانش و حکمت را به رایگان پیمان می‌کنم، اگر آن را ظرفی باشد... (ترجمه آیتی، ص ۱۳۹).
۶. خطبه ۱۱۳:	از او یاری می‌جویم در هدایت این مردم کاهل و سهل انگار در انجام اوامر و شتاب‌کننده در ارتکاب نواهی و امور نکوهیده و مکروه (ترجمه آیتی، ص ۲۶۳).
۷. خطبه ۱۲۰:	می‌خواهم درد خود را به شما درمان کنم و حال آن‌که شما عین درد من هستید. همانند کسی که بخواهد با نوک خاری، خاری را از پای بیرون کند و می‌داند که خار به خار متمایل است (ترجمه آیتی، ص ۲۷۹).
۸. خطبه ۵۴:	هیچ‌گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نینداختم، مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من پیوندند و به‌وسیله من هدایت شوند و با چشمان کم‌سوی خود، پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند (ترجمه آیتی، ص ۱۲۳).
۹. خطبه ۱۹۶:	خدا بیامرزد کسی را که حقی را ببیند و آن را یاری دهد و ستمی را ببیند و آن را دور سازد و صاحب حق را در گرفتن حقش یار باشد (ترجمه آیتی، ص ۴۷۷).
۱۰. حکمت ۴۳۵:	مالک! مالک چه بود؟ به خدا سوگند اگر کوه بود، کوهی بی‌همتا و سرافراز بود و اگر صخره‌ای بود، صخره‌ای بود که سم‌هیچ‌ستوری آن‌را نمی‌سود و هیچ‌پرنده‌ای به او جش نتوانست پرید (ترجمه آیتی، ص ۱۰۱۹).
۱۱. خطبه ۳:	سیلاب از من فرو می‌ریزد و پرنده را یارای پرواز به قله رفیع من نیست (ترجمه آیتی، ص ۴۵).
۱۲. خطبه ۴:	در پرتگاه غفلت سرنگون شود اندیشه کسی که بر خلاف من ره می‌سپرد؛ که من از آن روز که حق را دیده‌ام، در آن تردید نکرده‌ام. اگر موسی (علیه‌السلام) می‌ترسید، بر جان خود نمی‌ترسید، بلکه از چیرگی نادانان و گمراهان می‌ترسید (ترجمه آیتی، ص ۵۱).
۱۳. خطبه ۱۸۱:	کجایند برادران من که قدم در راه نهادند و همراه حق در گذشتند؟ عماربن یاسر کجا است؟ ابن‌تیهان کجا است؟ ذوالشهادتین کجا است؟ کجایند همانندان ایشان؟ برادرانمان که با هم بر سر مرگ پیمان بستند و سرهایشان به سوی بزهکاران فرستاده شد [در این حال امام (علیه‌السلام) دست در محاسن خود برد و بسیار گریست]. دریغا بر برادران من که قرآن تلاوت می‌کردند و آن را نیکو آموختند و در آنچه واجب بود، اندیشیدند و بر پایش داشتند و سنت را زنده ساختند و بدعت را میرانیدند و چون به جهاد دعوت شدند، اجابت کردند و به پیشوای خود اعتماد ورزیدند و از او پیروی کردند (ترجمه آیتی، ص ۴۳۵).
۱۴. حکمت ۱۳۹:	مردم سه دسته‌اند: عالمی ربانی و آموزنده‌ای که در راه نجات گام برمی‌دارد و سه دیگر همج‌الر‌عاع؛ یعنی کسانی که از پی هر آواز می‌روند و با وزش هرباد به چپ و راست میل می‌کنند... یکی را یافتم که نیکو در می‌یافت ولی امین نبود؛ زیرا دین را وسیله رسیدن به دنیا ساخته بود... یا کسی که پیرو حاملان حق است، ولی در شناخت رمز و راز علم بصیرت نداشت. در اولین شبهه که بر او عرضه شود، شک و تردید در دلش شراره می‌افروزد... یا کسی که سخت خواستار لذت است... و شیفته جمع مال و اندوختن آن... آری زمین هیچ‌گاه از حجت قائم خالی نمی‌ماند (ترجمه آیتی، ص ۸۶۵ و ۸۶۷).
مفهوم مورد نظر:	شاخص‌های اصلی جامعه حق‌مدار در عرصه فرهنگی حیات اجتماعی

<p>واژه‌ها، مفاهیم و انسانهای جاهل و گمراه، کند ذهن حق طلب، کند ذهن شرور، تیزهوش شرور، تیزهوش حق طلب، شرور فعال، شرور منفعل، عابد ریاکار، زاهد حقیر، ظلم‌گریز مخلص، ستم والی، ستم رعیت، مردم سست پیمان؛ مردم سقیفه، پیروان ناشایسته، ظلم‌پذیری انسان‌ها، آگاه‌سازی مردم، هدایت مردم، معرفی الگو به مردم، یاران صالح، یاران بالغ و آگاه، شاخص صلاحیت، نمونه‌های اعلی؛ امت صالح.</p>	<p>اصطلاحات رهنما:</p>
<p>خطبه ۴، خطبه ۵، خطبه ۱۷، خطبه ۲۶، خطبه ۳۲، خطبه ۳۴، خطبه ۳۵، خطبه ۳۶، خطبه ۳۹، خطبه ۴۰، خطبه ۵۰، خطبه ۵۴، خطبه ۵۶، خطبه ۶۹، خطبه ۷۰، خطبه ۸۷، خطبه ۹۶، خطبه ۱۰۱، خطبه ۱۰۲، خطبه ۱۰۴، خطبه ۱۰۷، خطبه ۱۱۳، خطبه ۱۱۵، خطبه ۱۱۸، خطبه ۱۲۰، خطبه ۱۲۳، خطبه ۱۲۵، خطبه ۱۲۹، خطبه ۱۳۱، خطبه ۱۴۹، خطبه ۱۵۰، خطبه ۱۵۱، خطبه ۱۶۵، خطبه ۱۷۷، خطبه ۱۷۹، خطبه ۱۸۱، خطبه ۱۸۴، خطبه ۱۹۶، خطبه ۱۹۹، خطبه ۲۰۳، خطبه ۲۰۷، خطبه ۲۲۴، خطبه ۲۳۱، نامه ۱۳، نامه ۳۱، نامه ۵۳، حکمت ۱۳۹، حکمت ۴۳۵.</p>	<p>منابع:</p>
<p><b>نتیجه‌گیری:</b> عرصه فرهنگی حکومت حق‌مدار، عرصه مشارکت آگاهانه مردم است. این حکومت قائم به حمایت مردمی است و والیان خود را موظف می‌سازد که در برابر مردم کاملاً پاسخگو باشند. بقای این حکومت در گرو حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی مردم است. شکایت از افراد سست‌پیمان، ظلم‌پذیر، عدل‌گریز، دون همت، و ناشایسته، بر ضرورت حضور فعال مردم در عرصه اجتماع دلالت دارد. آموزش مردم، هشدار به آن‌ها، پاسخگویی به آنان، و هدایت ایشان، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های حکومت را در بر می‌گیرد. پس از تقسیم‌بندی مردم به گروه‌های متفاوت، با شناسایی گروه‌های حق‌مدار، عدالت‌خواه، و ظلم‌ستیز، افراد شاخصی چون مالک اشتر، عمار یاسر، ابن تیهان، و ذوالشهادتین، به مثابه الگوهای مناسبی برای توسعه فرهنگ عدالت‌پذیر و حق‌طلب به جامعه معرفی می‌شوند. در واقع، عرصه فرهنگ، عرصه شدیدترین و عمیق‌ترین منازعات حق و باطل در جامعه است و اصلاح آن، ضروری تحقق حکومت عدل حق‌مدار است.</p>	

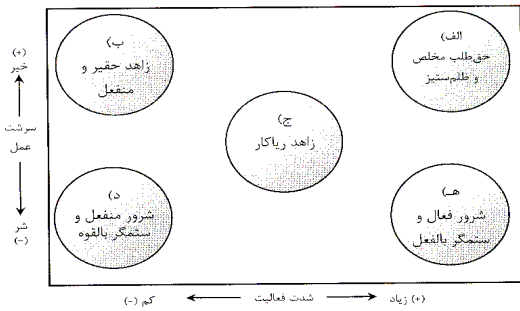
حمایت و خواست اعضای آن. حکومت حق‌مدار، کارگزاران و والیان خود را موظف می‌سازد که مستمراً مردم را از امور جاری جامعه آگاه ساخته، اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل اوضاع را در اختیار آنان قرار دهند.

نکته مهمی که در تحلیل شاخص‌های عرصه فرهنگ جامعه حق‌مدار به نظر می‌رسد، نحوه تقسیم‌بندی مردم است. همان‌طور که در خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه ملاحظه می‌شود، مردم به چند گروه تقسیم شده‌اند: انسان شروری که از بیچارگی منفعل مانده است، انسان شروی که شر خویش آشکار ساخته است، کسی که با اعمال ظاهراً آخرت‌گرا در صدد طلب دنیا است، کسی که حقارت نفس او را از طلب دنیا منصرف ساخته، و افراد ظلم‌گریز آخرت‌گرا.

بنابراین اگر دو پیوستار را در نظر بگیریم که در یکی سرشت عمل از خیر تا شر، و در دیگری شدت عمل از کم تا زیاد امتداد یابد، چهار حالت کلی قابل

خودشان، زمینه فریب و نیرنگ دشمنان توسعه می‌یابد و نفاق پنهان در ساختار اجتماعی نمایان می‌گردد. شاید از این‌رو باشد که فحوای بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه، هشدار به مردم زمانه یا نکوهش آنان است. در واقع تحقق پایدار جامعه عدل مستلزم برخورداری مردم از بلوغ عدل‌پذیری است. عدالت در میان مردمی که خواهان آن نباشند، پاگیر نمی‌شود و مردم فاقد شعور عدل‌پذیری نمی‌توانند ارزش عدالت را - آنچنان که درخور آن است - دریابند. شاهد این ادعا «سکوت علوی در برابر جریان سقیفه» و «صلح مجتبوی در برابر نیرنگ معاویه» است؛ به‌ویژه با توجه به دلالت سخنان امام در نهج‌البلاغه که تشکیل حکومت عدل در میان مردم نابالغ را به کشت در زمین دیگران تشبیه می‌کند. این تشبیه حکیمانه، به‌طور جالب ریشه لغوی واژه فرهنگ را تداعی می‌کند [۱۴].

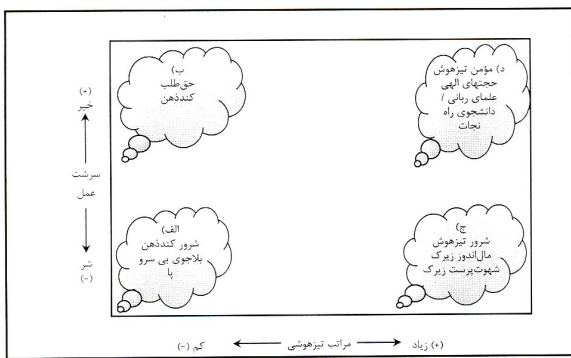
عرصه فرهنگی جامعه حق‌مدار، عرصه مشارکت آگاهانه مردم است و پایداری این جامعه، در گرو



نمودار ۴ تقسیم‌بندی افراد بر حسب سرشت عمل و

شدت فعالیت، بر مبنای خطبه ۳۲ نهج البلاغه

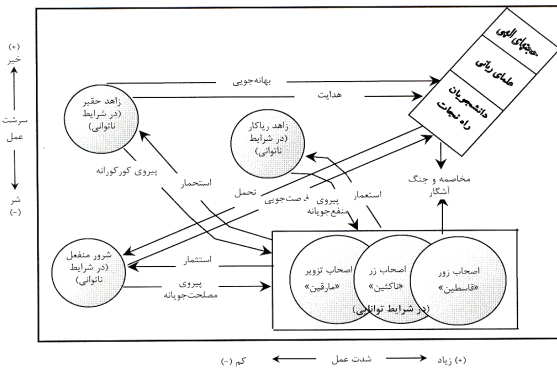
!Error



نمودار ۵ تقسیم‌بندی افراد بر حسب سرشت عمل و مراتب

تیزهوشی آن‌ها، بر مبنای خطبه ۱۷۹ و حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه.

!Error



نمودار ۶ جایگاه گروه‌های متنوع مردم در صحنه تقابل حق و باطل در شرایط توانایی و ناتوانی (بر مبنای نمودارهای ۵ و ۶).

با تأمل در نقش مردم عدالت‌خواه و حق‌طلب در تحقق و پایداری جامعه عدل، بهتر ادراک می‌شود که چرا امام علی (علیه‌السلام) مکرر از یاران صالح خود یاد می‌کنند، ویژگی‌های آن‌ها را برمی‌شمارند و بر اشتیاق خود به ملاقات با افرادی چون آنان تأکید می‌رزنند (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹، ترجمه آیتی، ص ۸۶۹).

تصور خواهد بود (نمودار ۴). البته تعیین جایگاه کسی که دنیا را با اعمال آخرت‌گرا طلب می‌کند، تا حدی دشوار است. شاید بتوان چنین افرادی را با عنوان زاهد ریاکار، در حدی پایین‌تر از میانه از حیث شدت عمل، و حدی بسیار پایین از حیث سرشت عمل جای دارد.

در حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه نیز دو تقسیم‌بندی دیگر از مردم زمانه ارائه شده است. در این سخنان ابتدا افراد به سه دسته تقسیم می‌شوند. «علمای ربانی»، «دانشجوی راه نجات»، «و همج رعاع»؛ و سپس با در نظر گرفتن مراتب علم‌پذیری و شیوه عمل افراد، در انتهای همین سخنان، مردم به پنج گروه تقسیم شده‌اند: «افراد تیزهوش بی‌ایمان»، «افراد کندذهن با ایمان»، «افراد لذت‌جو»، «افراد مال‌دوست»، «و علمای ربانی و حجت‌های الهی» (نهج البلاغه حکمت ۱۳۹). نمودار ۵ برداشتی را از تقسیم‌بندی انسان‌ها در خطبه ۱۷۹ و حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه به تصویر می‌کشد.

با حادثه سقیفه، گسستی در عرصه فرهنگی جامعه اسلامی ایجاد شد که در دوران خلفای دوم و سوم توسعه یافت. این گسست، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و مناسب برای حکومت حق‌مدار را با وقفه مواجه ساخت؛ به طوری که علم‌رغم شور عدالت‌خواهی مردم در اوایل شکل‌گیری حکومت علوی، پس از شهادت امام علی (علیه‌السلام) جو فرهنگی به حدی نامساعد شد که صلح ناگزیر و مشروط امام حسن (علیه‌السلام) به مثابه پیامد قهری سست‌پیمانی مردم و تنهایی معصوم و چاره واقع‌بینانه او به وقوع پیوست.

در این دوران، جو غالب فرهنگ جامعه به سوی حدود منفی سرشت عمل در نمودارهای ۴ و ۵ گرایش پیدا کرد و با کاهش زمینه حق‌طلبی، احتمال استقرار و پایداری ساز و کارهای حکومت حق‌مدار رو به کاهش نهاد.

نمودار ۶، با ترکیب نمودارهای ۴ و ۵، جایگاه گروه‌های متنوع مردم را در صحنه تقابل حق و باطل در شرایط توانایی و در شرایط ناتوانی نشان می‌دهد.

جدول ۱۰ نظام منطقی نهایی

بخش اول: اصول منطقی مبنایی نظام استدلالی عدالت حق مدار				
ردیف	متن اصول مبنایی	برخی از منابع استنباط *	اولی ترین عرصه افرگذاری **	اولی ترین خرد سیستم مرتبط ***
اصل ۱.	جهان فقط یک خالق - و پروردگار - دارد که مالکیت مطلق هستی از آن او است.	شوری: ۴؛ اخلاص: ۱؛ انبیاء: ۱۹ و ۲۲ خطبه ۸۴، ص ۱۶۷ مبانی استدلال عقلانی	همه عرصه‌ها	همه عرصه سیستم‌ها
اصل ۲.	همه انسان‌ها مخلوق خداوند یکتاوند و از این حیث شأن مساوی و برابر دارند.	حجرات: ۱۳ نامه ۴۶، ص ۷۰۷ نامه ۵۳، ص ۷۲۱؛ نامه ۲۷، ص ۶۴۳ و ۶۴۱ مبانی استدلال عقلانی: اصل ۱	همه عرصه‌ها	همه عرصه سیستم‌ها
اصل ۳.	انسان آزاد و مختار آفریده شده است و هیچ انسانی مجاز نیست این آزادی را از دیگری سلب کند.	نحل: ۳۷-۳۵؛ نور: ۵۴؛ بقره: ۲۵۶؛ شعرا: ۴ و ۳ خطبه ۱، ص ۳۵ و ۳۷ مبانی استدلال عقلانی: اصل ۱	همه عرصه‌ها	همه عرصه سیستم‌ها
اصل ۴.	در برابر هر حقی که برای انسان ایجاد می‌شود، تکلیفی متناسب با آن حق، بر عهده او خواهد بود.	الاعراف: ۴۲؛ البقره: ۲۸۶؛ الطلاق: ۷ خطبه ۲۰۷، ص ۴۹۵ مبانی استدلال عقلانی: اصول ۱ و ۲	همه عرصه‌ها	همه عرصه سیستم‌ها
اصل ۵.	انسان مختار ممکن است میل به کمال یا قهقرا داشته باشد. شرایط اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از طریق ابلاغ حق و روشن ساختن راه، مسیر فرد را به سوی کمال تسهیل کنند؛ ولی هیچ کس حق ندارد دیگری را مجبور سازد یا به اکراه به کاری وادار کند.	اعراف: ۴۴ و ۴۵؛ یونس: ۹۹ خطبه ۴۱، ص ۱۰۷؛ خطبه ۶۸، ص ۱۳۷ مبانی استدلال عقلانی: اصول ۱ و ۳	همه عرصه‌ها	همه عرصه سیستم‌ها
بخش دوم: قضایای منطقی شکل دهنده نظام استدلالی عدالت حق مدار				
ردیف	متن قضایای استنباط شده از اصول مبنایی	برخی از منابع استنباط	اولی ترین عرصه افرگذاری	اولی ترین خرد سیستم مرتبط
قضیه ۱.	وجود حکومت برای تضمین شرایط اجتماعی مناسب ضرورت دارد؛ حکومتی که محدود به قانون باشد و امکان اجرای آن را فراهم آورد.	خطبه ۴۰، ص ۱۰۵ اصول ۲ و ۳ و ۴ و ۵	همه عرصه‌ها	همه عرصه سیستم‌ها
قضیه ۲.	منابع ملی چون امانتی در اختیار حکومت قرار می‌گیرند و حکومت موظف است آن‌ها را به گونه‌ای مصرف کند که حقوق مردم رعایت شود، به منافع نسل‌های بعدی آسیب نرسد، و آثار مثبت (باقیات صالحات) گذشتگان از بین نروند.	خطبه ۱۹۶، ص ۴۷۷ خطبه ۲۲۳، ص ۵۳۱ نامه ۴۶، ص ۷۰۷ اصول ۱ و ۲ و ۴ و ۵	اقتصاد	همه عرصه سیستم‌ها

<p>مقننه مجریه</p>	<p>سیاست اقتصاد فرهنگ</p>	<p>خطبه ۲۷، ص ۸۱ و ۸۳ خطبه ۳۴، ص ۹۹ نامه ۴۷، ص ۷۰۹ نامه ۵۰، ص ۷۱۳ نامه ۵۳، ص ۷۴۱-۷۳۹ و ۷۴۷ اصول ۲ و ۳ و ۴ و ۵</p>	<p>همه انسان‌ها حق دارند از امنیت، رفاه، و آگاهی برخوردار باشند. پس ثروت‌ها و منابع مالی موجود در اختیار حکومت باید برای امنیت‌گستری، فقرزدایی، و آگاه‌سازی جامعه - به مثابه وظایف اولیه حکومت - اختصاص یابند و مازاد آن‌ها با بصیرت نسبت به آینده، در جهت حفظ مصالح جامعه مصرف یا سرمایه‌گذاری شوند. قید ۱-۳. به طوری که عوامل فقر ریشه‌کن شوند. قید ۲-۳. به طوری که احساس ناامنی از میان برود. قید ۳-۳. به طوری که امکان آموزش برای همگان فراهم آید.</p>	<p>قضیه ۳.</p>
<p>قضاییه مقننه مجریه</p>	<p>فرهنگ سیاست اقتصاد</p>	<p>نامه ۵۳، ص ۷۲۱ و ۷۲۳ و ۷۴۱ و ۷۴۵ خطبه ۲۰۷، ص ۴۹۹ اصول ۱ و ۲</p>	<p>تفاوت در سطوح قدرت و مکتب، طبقه‌اجتماعی، نژاد، و نظایر آن به هیچ وجه نمی‌تواند دستمایه برتری‌جویی عده‌ای بر عده دیگر باشد و حقوق برابر افراد جامعه را خدشه‌دار سازد. قید ۱-۴. هیچ‌کس حق ندارد از نمادهای ملی و مذهبی سواستفاده کرده، خود را برتر از دیگران معرفی کند.</p>	<p>قضیه ۴.</p>
<p>مقننه مجریه</p>	<p>همه عرصه‌ها</p>	<p>نامه ۵۳، ص ۷۲۹ - ۷۲۷ نامه ۵۳، ص ۷۳۹ - ۷۳۵ اصول ۳ و ۴ و ۵</p>	<p>حکومت موظف است بر رعایت عدالت در مراودات اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی) نظارت کند تا تراکم فشارهای ناشی از زندگی اجتماعی، حق انتخاب آزاد (اختیار) شهروندان را مخدوش نسازد. توضیح ۱-۵. انسان آزاد آفریده شده است و حق دارد آزاد بماند؛ ولی ادراک حقیقی آزادی، مستلزم برخورداری از حداقل رفاه، امنیت، و آگاهی است. پس سیاست‌گذاری حکومت باید به گونه‌ای باشد که حداقل نیاز همه آحاد جامعه برطرف شود.</p>	<p>قضیه ۵.</p>
<p>مقننه مجریه</p>	<p>اقتصاد</p>	<p>نامه ۵۳، ص ۷۲۹-۷۲۷ نامه ۵۳، ص ۷۳۳-۷۳۵ اصول ۴ و ۵</p>	<p>حکومت موظف است تجارت را تسهیل، احترام به مالکیت مشروع افراد را تضمین، و معاش قضات، سپاهیان، فرهنگیان، و سایر کارگزاران حکومت را تأمین کند.</p>	<p>قضیه ۶.</p>
<p>همه خُرد سیستم‌ها</p>	<p>سیاست</p>	<p>خطبه ۲۲۰، ص ۵۲۷ نامه ۱، ص ۶۰۳ نامه ۶، ص ۶۰۹ نامه ۷، ص ۶۱۱ نامه ۵۳، ص ۷۲۷ - ۷۲۳ اصول ۳، ۴، و ۵</p>	<p>رأی مردم در انتخاب حاکم موضوعیت دارد؛ زیرا بدون حمایت مردم (زن و مرد) حکومت تحقق نمی‌یابد.</p>	<p>قضیه ۷.</p>
<p>همه خُرد سیستم‌ها</p>	<p>سیاست فرهنگ</p>	<p>خطبه ۶۸، ص ۱۳۷ خطبه ۱۳۶، ص ۳۸۳ و ۳۸۵ خطبه ۳۰، ص ۹۱ خطبه ۴۱، ص ۱۰۷ نامه ۵۳، ص ۷۲۷ اصول ۳ و ۴ و ۵</p>	<p>هیچ‌کس حق ندارد مستبدانه بر مردم حکومت کند. قید ۱-۸. انسان مختار است در تعیین سرنوشت خود مشارکت ورزد. قید ۲-۸. مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خود باید آگاهانه باشد.</p>	<p>قضیه ۸.</p>



همه خرده سیستم‌ها	سیاست فرهنگ	نامه ۵۳، ص ۷۱۹، ۷۲۷ و ۷۴۱ نامه ۵۷، ص ۷۵۷ اصل ۴	حکومت منتخب و نماینده مردم است و باید پاسخگویی آن‌ها باشد. توضیح ۹-۱. مردم حق دارند بر اعمال حکومت نظارت داشته باشند.	قضیه ۹
همه خرده سیستم‌ها	سیاست اقتصاد فرهنگ	خطبه ۲۰۷، ص ۴۹۵ و ۴۹۷ خطبه ۹۱، ص ۲۰۵ اصول ۳ و ۴ و ۵	میزان دخالت حکومت در مسائل اجتماعی، متناسب با میزان مسئولیتی که جامعه در هر مقطع از زمان از آن مطالبه می‌کند، قابل افزایش است. قید ۱-۱۰. حکومت باید از قدرت کافی برای انجام وظایف اولیه خود برخوردار باشد.	قضیه ۱۰
قضایه	اقتصاد سیاست	نامه ۴۱، ص ۶۹۳ و ۶۹۵ نامه ۴۵، ص ۷۰۱ اوصل ۴ و ۵	حکومت موظف است بر وضع مالی کارگزاران عالی رتبه خود نظارت کند و مانع سوءاستفاده از منصب‌های حکومتی شود.	قضیه ۱۱
مقننه مجریه	اقتصاد فرهنگ	نامه ۲۵، ص ۶۳۷ و ۶۳۹ نامه ۵۱، ص ۷۱۵ اصول ۴ و ۵	حکومت موظف است اصل را بر اعتماد به شهروندان قرار دهد و سیستم‌های اخذ مالیات و بازتوزیع منابع ملی را به گونه‌ای هدایت کند که حتی‌المقدور منافع کل جامعه تأمین گردد. قید ۱-۱۲. باید تلاش شود تا سهمی که جامعه در ایجاد ثروت‌های خصوصی افراد داشته محاسبه و اعاده شود تا زمینه تحقق عدالت اقتصادی فراهم آید.	قضیه ۱۲
مقننه مجریه	اقتصاد سیاست فرهنگ	خطبه ۲۲۳، ص ۵۳۱ نامه ۲۶، ص ۶۴۱ نامه ۵۳، ص ۷۳۹ و ۷۴۱ اصول ۲ و ۴	هزینه ساخت و نگهداری آن دسته از تأسیسات، تجهیزات، و تسهیلات اجتماعی که تحت تملک گروه ویژه‌ای از شهروندان است - و سایر افراد، حتی در صورت نیاز نمی‌توانند از آن‌ها استفاده کنند - به عهده خود آنان است و از طریق اخذ عوارض ویژه تأمین می‌شود.	قضیه ۱۳
قضایه مقننه مجریه	اقتصاد	نامه ۵۳، ص ۷۴۱ - ۷۳۵ و ۷۴۹ اصول ۴ و ۵	حکومت موظف است شرایط توسعه توانمندی‌های جامعه را به گونه‌ای تأمین کند که حتی‌المقدور به هیچ یک از آحاد جامعه آسیب نرسد. قید ۱-۱۴. در صورتی که در مواردی به فردی از آحاد جامعه آسیب برسد، این آسیب باید در اسرع وقت جبران گردد.	قضیه ۱۴
مجریه قضایه مقننه	همه عرصه‌ها به ویژه فرهنگ	خطبه ۷۳، ص ۱۴۳ نامه ۷۱، ص ۷۸۱ و ۷۸۳ اصول ۲ و ۴ و ۵	منصب‌های حکومتی باید صرفاً برحسب شایستگی افراد به آن‌ها اختصاص یابند تا سیر استعلایی جامعه بشری مخدوش نگردد.	قضیه ۱۵
مقننه قضایه مجریه	فرهنگ اقتصاد سیاست	خطبه ۳۷، ص ۱۰۳ خطبه ۱۲۵، ص ۲۹۱ خطبه ۲۳۴، ص ۵۸۷ اصول ۳ و ۴ و ۵	حکومت موظف است رعایت رفتارهای صحیح اخلاقی را تسهیل کند و از گمراه‌سازی مردم و ترویج رفتارهای ضد اخلاق جلوگیری ورزد؛ به گونه‌ای که ترویج یا ارتکاب منکرات موجب سلب اختیار سایر افراد نشود و شرایط انتخاب آزاد آن‌ها را مخدوش نسازد. قید ۱-۱۶. رفتارهای بازدارنده حکومتی باید مبتنی بر علم اخلاق و مبانی عقلانی رفتار اجتماعی باشد.	قضیه ۱۶

مقتنه مجریه	فرهنگ	خطبه ۳۴، ص ۹۹ خطبه ۳۵، ص ۹۹ و ۱۰۱ خطبه ۱۲۵، ص ۲۹۱ اصول ۳ و ۵	حکومت موظف است زمینه‌ای مناسب برای آموزش، تعلیم، آگاه‌سازی، و شکوفایی استعداد‌های مردم فراهم سازد. قید ۱-۱۷. در صورت نیاز حکومت باید خود به ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب برای توسعه فرهنگی جامعه همت گمارد.	قضیه ۱۷.
همه خورد سیستم‌ها	فرهنگ	خطبه ۱۹۶، ص ۴۷۷ خطبه ۲۰۷، ص ۴۹۵-۴۹۹ نامه ۵۳، ص ۷۴۱ اصول ۲ و ۳ و ۴ و ۵	حکومت موظف است شرایطی را فراهم سازد که مردم همواره به حقوق خویش واقف گردند تا بتوانند آگاهانه به مطالبه حقوق خود پرداخته، روحیه ظلم‌ستیزی و عدالتخواهی در میان آنان ترویج شود. توضیح ۱-۱۸. روحیه عدالتخواهی و حق‌طلبی، ضامن پایداری نظام عدل است.	قضیه ۱۸.
همه خورد سیستم‌ها	همه عرصه‌ها	خطبه ۴، ص ۵۱ خطبه ۱۶، ص ۶۳ خطبه ۱۶۳، ص ۳۸۵ نامه ۵۳، ص ۷۳۵ و ۷۴۹ نامه ۵۹، ص ۷۵۹ اصول ۴ و ۵	حکومت موظف است به‌طور مستمر، قوانین و خط‌مشی‌های موضوعه خود را از حیث محتوا، روش اجرا، و اثربخشی در جامعه هدف، بررسی کرده، اقدام مناسب را برای اصلاح آن‌ها به عمل آورد تا در سیری یادگیرنده، به قوانین و خط‌مشی‌های حق‌مدار نزدیک‌تر شوند.	قضیه ۱۹.

دوم، ضابطه تعریف حدود تدوین دستور کار را معرفی می‌کند. فرضیه سوم بر ساختارها، فراگردها و رویه‌های اجرایی دلالت دارد. فرضیه چهارم نیز با تأمل در رابطه ابرسیستم محاط بر سیستم خط‌مشی‌گذاری و محیط آن، الزامات پایداری سیستم حق‌مدار در محیط را در نظر آورده، بلوغ ادراکی و شناختی و توان عناصر اجتماعی فعال در محیط و جامعه هدف را شرط ضروری بقا و استمرار فعالیت سیستم حق‌مدار می‌داند. فرضیه پنجم به صراحت تأکید می‌کند که هر سیستم اجتماعی از مردم تشکیل‌دهنده خود تأثیر می‌پذیرد. پس اگر قرار است سیستم حق‌مدار مستقر گردد، باید مردم حق‌مدار تربیت شوند؛ مردمی که چنان در برابر رعایت عدالت حساس باشند که احقاق حق خود را برتر از کامیابی بیش‌تر از دیگران بدانند و متقابلاً در برابر تضییع حق خویش سکوت نکرده، حساسیت نشان دهند. بنابراین به نظر می‌رسد که خرده‌سیستم آموزشی حکومت حق‌مدار باید شجاعت و حق‌طلبی را در سرشت کودکان جامعه نهادینه سازد و آن‌ها را شایسته بهره‌مندی از سیستم حکومت حق‌مدار بار بیاورد؛ به‌گونه‌ای که همواره

آشنایی با ویژگی‌های پیروان صالح، شاخص‌های مناسبی برای توصیف فرهنگ عدالت‌پذیر معرفی می‌کند؛ به‌طوری که چنین به نظر می‌رسد که یک رکن مهم برنامه استقرار عدالت اجتماعی، زمینه‌سازی فرهنگی و ترویج روحیه حق‌گرایی و ظلم‌ستیزی است. خلاصه این‌که جامعه‌ای شرایط برخورداری از حکومت عدل را دارد که از معنا و مفهوم و مصادیق آن آگاه باشد، به دقت آن را به اجرا در آورد، و نسبت به تحقق عدالت در جامعه حساس باشد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: طراحی نظام منطقی زیربنایی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار

همان‌طور که ذکر شد، فرضیه‌های تحقیق ابعاد اصلی مدل مفهومی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار را مشخص می‌کنند. فرضیه اول بر اهداف اصلی سیستم تصریح داشت. تأمل بر این نکته لازم است که در واقع مطالعه امکان‌پذیری طراحی هر سیستم، هنگامی آغاز می‌شود که اهداف آن تعریف شوند و درباره آن‌ها توافق حاصل آید [۷]. حق‌مداری مورد تأکید در فرضیه

تلاش کنند حق خود را شجاعانه بازستانند و حق دیگران را صبورانه اجابت کنند [۱۶].

در هر سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی، حکومت‌ها تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که طی آن‌ها، منافع رقیب (افراد و گروه‌های اجتماعی در جامعه هدف) ارزش‌گذاری می‌شوند و سپس بر اجرای این تصمیمات نظارت می‌کنند [۱۷]. شاخص‌های غالب هر سیستم، شاخص‌هایی هستند که یک فعالیت را آن‌قدر مهم می‌سازند که همه فعالیت‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد [۱۸]: در حالی که شاخص‌های قابل داد و ستد آن، شاخص‌هایی هستند که ممکن است برای ایفای یک فعالیت، کاهش داده شوند تا ایفای فعالیتی دیگری افزایش یابد [۱۸]. بنابراین ملاحظه می‌شود که شاخص‌های غالب بر اصولی دلالت دارند که فعالیت‌های اصلی سیستم را جهت می‌دهند؛ در حالی که شاخص‌های داد و ستد الزامات موقتی و قابل انعطاف سیستم را مد نظر قرار می‌دهند.

پس از بررسی متن نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای از گزاره‌های منطقی تنظیم شد که برای بررسی مراتب صحت و دقت محقق، ضمن مراجعه به حدود چهل نفر از صاحب‌نظران و خبرگان، مورد تجدید نظر قرار گرفت. پس از دوبار تجدید نظر در گزاره‌های منطقی استخراج شده از متن نهج‌البلاغه، نظام منطقی نهایی با مسئولیت و طبق نظر محقق طراحی و تنظیم شد که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود.

این نظام منطقی می‌تواند به مثابه مبنای طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری مد نظر قرار گیرد. هر سیستم باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن تعهد به حفظ خود بتواند پاسخگویی شرایط و مقتضیات متفاوت باشد و هوشمندانه در سیر پی‌گیری یادگیرنده و کمال‌جویانه، به صورت اقتضایی با حوادث پیش‌بینی نشده مواجه گردد [۱۹].

جدول ۱۱ وجوه و ابعاد اصلی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار علوی، براساس مجموعه بازپردازی شده فرضیات تحقیق

ردیف	فرضیه بازپردازی شده	نوع عدالتی که بیش‌ترین ارتباط را با آن دارد
۱	اهداف اصلی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار علوی عبارتند از تأمین امنیت کامل، رفاه‌نسبی، و آگاهی کافی برای همه آحاد جامعه.	عدالت توزیعی، رویه‌ای، و مرادده‌ای
۲	فراگرد تدوین دستور کار و فراگرد شکل‌دهی خط‌مشی در سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار علوی، ملتزم به شناسایی دقیق، و مصرّ به احقاق «حقوق حقه همه آحاد جامعه» است.	عدالت توزیعی
۳	فراگرد اجرای خط‌مشی در سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار علوی، متعهد به رعایت انصاف و عدالت در کلیه مراحل اجرایی است.	عدالت رویه‌ای
۴	اثربخشی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار، مستلزم استقرار در جامعه‌ای است که از میانگین بلوغ ادراکی و شناختی، و توان کافی برای ادراک ارزش عدالت حق‌مدار برخوردار باشد.	عدالت مرادده‌ای
۵	پایداری و استمرار فعالیت سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار، مستلزم فعالیت در جامعه‌ای است که از تمایل و حساسیت کافی برای حمایت بالفعل از احقاق حق و امحای باطل برخوردار باشد.	عدالت مرادده‌ای و رویه‌ای

## منابع

۱. نهج البلاغه، مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (علیه السلام) (۱۳۷۹) گردآورنده سید شریف رضی؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه؛ چاپ دهم.
2. Lester, James. P & Stewart, Jr. Joseph (2000) *Public policy: An Evolutionary Approach*; wads worth.
۳. میرزایی اهرنجانی، حسن؛ (تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی در سازمان) (۱۳۷۷) مجموعه مقالات دومین اجلاس بررسی راه‌های عملی حاکمیت وجدان کاری و انضباط اجتماعی؛ دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
۴. محدث، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۶) شرح جمال‌الدین محمد خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم؛ تألیف عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۵. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۰) «مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی؛ دانش مدیریت؛ شماره ۵۵، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، صص ۸۳-۱۱۷».
۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲) «تصورپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»؛ سخن سمت؛ شماره ۱۰.
۷. الوانی، سیدمهدی و دکتر علی اصغر پورعزت (۱۳۸۲) «حکومت علوی نمونه اعلامی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی»؛ مجموعه مقالات همایش رفتارشناسی علوی، دانشگاه شاهد.
۸. مشبکی، اصغر، و دکتر علی اصغر پورعزت (۱۳۸۱) «مدیریت فرهنگ جامعه»؛ سخن سمت؛ شماره ۸؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها؛ صص ۷۶-۷۸.
9. Sterba, James, P (1999) *Justice: Alternative political perspectives*; Third edition, wadsorth.
10. Hospers, John (1999) (The Libertarian Manifesto); in James, p. Starba (Ed); *Justice: Alternative political perspectives*; Third Edition; wadsworth; pp 24-34.
11. Churton, Mel (2000) *Theory and Method*; Macmillan Press.
12. Haywood, Andrew (2000) *Key concepts in politics*; palgrave.
13. Hatch, Mary, Jo (1997) *Organization Theory; Modern, symbolic and postmodern perspectives*; Oxford university press.
14. Black, J. Stewart & Lyman W. Porter (2000) *Management: Meeting New Challenges*; Prentice-Hill.
15. Hawryszkiewicz, Igor (1998) *Introduction to system Analysis and Design*; Prentice-Hall; fourth edition.
۱۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲) «ضرورت توسعه فرهنگ عدالت‌پذیری برای نیل به جامعه عدل موعود»؛ انتظار؛ شماره ۸ و ۹؛ مرکز تخصصی مهدویت.
17. Dye, Thomas, R (1973) *Politics in states and communities*; prentice-Hall; second edition.
18. Murdick, Robert G. & Joel E. Ross, & James R. Claggett (1991) *Information systems for Modern Management*; prentice-Hall; Third edition.
۱۹. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸) مکتب و نظام اقتصادی اسلام؛ قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.

بدیهی است که مبانی ارزشی و اعتقادی حاکم بر سیستم از عمده‌ترین الزامات حفظ هویت آن محسوب می‌شوند. بنابراین نظام منطقی نهایی بر ۵ اصل مهم مبتنی شده است که با عنوان «اصل توحید»، «برابری ناشی از توحید»، «آزادی مبتنی بر توحید»، «تناسب حق و تکلیف» و «تسهیل کمال‌گرایی»، منبع استنباط ۱۹ قضیه حاکم بر رفتار سیستم خط‌مشی‌گذاری حق‌مدار محسوب می‌شوند. هر کدام از این قضایا، دست کم به یکی از فرضیه‌های تحقیق مربوط می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، قضایای مذکور ضمن تأیید کلیه فرضیه‌های تحقیق، اعمال تغییراتی ضروری را در آن‌ها مدنظر قرار می‌دهند. در جدول ۱۱، مجموعه بازپردازی شده فرضیه‌های تحقیق ارائه شده‌اند.

به‌طوری که ملاحظه می‌شود در فرضیه اول، با اضافه شدن قیودی، بر تأمین امنیت «کامل»، رفاه «نسبی»، و آگاهی «کافی» برای همه آحاد جامعه تأکید شده است. در فرضیه دوم بر ضرورت احقاق حقوق حقه مردم تصریح گردیده و در فرضیه سوم رعایت عدالت رویه‌ای مدنظر قرار گرفته است. در فرضیه چهارم و پنجم نیز تأثیر توان و تمایل مردم در استقرار و پایداری حکومت عدل حق‌مدار مورد تأکید است.

## تشکر و قدردانی

بدین وسیله از راهنمایی‌ها و مشورت‌های ارزنده آقایان دکتر علی رضائیان و دکتر صادق آیینه‌وند در انجام این تحقیق قدردانی می‌کنم. قابل ذکر است که پژوهش حاضر با حمایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - مرکز تحقیقات امام علی (ع) انجام شده است.





مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت‌حق‌مدار (براساس نهج‌البلاغه)

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

دکتر علی اصغر پورعزت و دکتر سیدمهدی الوانی

